

ماده (۲۸) بتصویب مجلس شورای ملی باشد.
موثمن الملك - اینجا لازم است يك دو کلمه اضافه شود (اگر پنجهزار تومان بیشتر باشد آن معامله باید با اطلاع دیوان محاسبات انجام بگیرد ممکن است اسباب سوء تفاهمی بشود که تصور کنند باید بتصویب دیوان محاسبات باشد و حال آنکه معامله نباید بتصویب دیوان محاسبات برسد و اعلان باید بتصویب دیوان محاسبات برسد) قید شود یا معامله بدون ترتیب اعلان عمومی و مزایده مناقصه صورت انجام نخواهد یافت - برای این که سوء تفاهم نشود .

رئیس - رای میگیریم در ماده (۲۴) کسانی که با ماده (۲۴) بطریقی که کمیسیون تصویب کرده است موافقتا قیام نمایند (اغلب قیام نمودند و با اکثریت تصویب شد .)

ماده (۲۵) معاملاتی که پس از اعلان در ظرف مدت معینه قانونی داوطلبی پیدا نکرده باشد و یا این که داوطلبان شرایطی پیشنهاد نمایند که قابل قبول نباشد دولت میتواند آن معامله را با هر کس بخواهد انجام دهد مشروط بر اینکه از حدیکه قبلا معین گردیده است تخلف نشود .

حاجی وکیل الرعایا - بنده عرض میکنم در آنچه در اعلان اول تعیین شده است (قبلا تعیین شده است) فعلا نیست اینجاست قبلا نوشته شود .

آقا میرزا مهرتضی قلیخان - قبلا هست فعلا نیست .

رئیس - رای می گیریم کسانی که با ماده ۲ بطریقی که کمیسیون تصویب کرده است موافقت قیام نمایند (اغلب قیام نمودند و با اکثریت تصویب شد)

رئیس - بقیه شور این قانون میماند بجلسه دیگر آقای دکتر امیرخان از عضویت کمیسیون فوائد عامه استعفا کرده است حالا بکنفر بجای ایشان انتخاب میشود .

دکتر اسمعیل خان - چون فردا کمیسیون داریم وعده برای رای کافی نخواهد شد بهمان دلیل استدعا میشود همین حالا انتخاب شود .

آقا میرزا مهرتضی قلیخان - يك نفر عضوی که برای کمیسیون فوائد عامه لازم است معین شود آقای آقا میرزا ابراهیم خان چون عضو آن کمیسیون بودند و خیلی مواظبت داشتند حالا از ایشان خواهش کردیم و قبول می نمایند اگر میخواهید ایشان را انتخاب کنید .

(اوراق رای منتشر و اخذ شد آقای حاجی میرزا رضاخان آقایان ضیاء الملك - آدینه محمد خان مرتضی قلی خان - بختیاری را برای استخراج آراء بقرعه معین کردند)

رئیس - نتیجه در خارج استخراج شود .

حاجی عز الممالک - روزنامه ایران نودر قسمت راجع مذاکرات مجلس شورای ملی در خصوص تقاضای آقای ادیب التجار نوشته است که ادیب التجار تقاضا کرد برای تأکید در حرکت آقای نایب السلطنه تلگرافی شود ولی مانند در صورتی که تمام نمایندگان تصدیق کردند قرار شد مخابره شود و

آقای حاجی شیخ الرئیس هم سؤال کردند آقای رئیس جواب دادند که تلگراف شده است .
رئیس - بلی همینطور که عرض کردم تلگراف شده است .

معاضد السلطنه - تقریباً يك سؤالی کرده بودم از آقای وزیر خارجه راجع (بکامپش تیه) که با تابع ایران بعضی صدمات وارد آمده بود و بعضی تعديتات بر آنها شده بود استدعا میکنم که تا کید بفرمائید حاضر بشود .

رئیس - تا کید میکنم بیایند جواب بدهند - جلسه آتیه روز سه شنبه و دستور آن بقیه دستور امروز است (مجلس مقارن مغرب ختم شد)

جلسه ۱۷۶

صورت مشروح روز سه شنبه ۱۲

شهر ذی قعدة ۱۳۲۷

مجلس دو ساعت و ربع قبل از غروب آفتاب بریاست آقای ذکاء الملك منعقد گردید آقای معاضد الملك صورت مذاکرات جلسه قبل را قرائت کردند .
غائبین بی اجازه - آقایان قوام الاسلام حاج میرزا آقاه نوبری . آقا سید محمد رضا کاشف صدرالعلماء .

با اجازه - حاج محمد کریم خان . آقا میرزا احمد فهیم الملك . حاج فاتح الملك . معزز الملك آقایانیکه سر وقت حاضر نشده اند سید ابراهیم مستشار الدوله حاج امام جمعه . ممتاز الدوله . معتمد التجار . وکیل التجار . محمد هاشم میرزا . افتخار الواعظین آقا سید محمد باقر ادیب . کاشف در صورت مجلس روز یکشنبه بنده و آقای صدرالعلماء را جزو غائبین بی اجازه نوشته اند در صورتیکه ما اجازه داشتیم روز یکشنبه و کلای خراسان را در تلگرافخانه خواسته بودند در هیئت رئیسه مذاکره شد بالاخره بملاحظه اینکه عده نمایندگان در مجلس کسر نشود بنده و آقای صدرالعلماء را اجازه دادند بتلگرافخانه رفتیم .

صدرالعلماء - بنده هم با آقای کاشف موافقم می خواستم عرض کنم با اینکه صورت تلگراف را ملاحظه فرمودید چرا اینطور نوشته شده است .

معزز الملك - بنده را هم جزو غائبین بی اجازه نوشته اند در صورتیکه بنده هم اجازه داشته ام

رئیس - با اجازه نوشته اند
آقا میرزا احمد - بیروز اینجا فرار شد از برای تأکید در تشریف فرمائی آقای نایب السلطنه تلگرافی مخابره شود مخابره شده است یاخیر .

رئیس - همان روز عرض کردم تلگراف شده است .

صورت استیضاح افتخار الواعظین بمبارت ذیل قرائت شد .

بنده در خصوص مندرجات روزنامه برق از آقای رئیس الوزراء استیضاح خواهم نمود استدعا دارم اطلاع بدهید حاضر شوند (افتخار الواعظین .
رئیس - اطلاع میدهم (پیشنهادی از آقای معاضد الملك بمضای بانزده نفر از نمایندگان بمبارت ذیل قرائت شد .)

نظر باینکه بودجه هذالسنه هنوز بمجلس پیشنهاد نشده و هر قدر هم سئوال و استیضاح در این باب از وزراء شدمفید فایده نگردیده بنده تقاضای کنم که هیئتی مرکب از ۳ نفر از اعضای کمیسیون بودجه یا از مجلس منتخب شده باید بمیسیون تقیض مالیه اجازه داده شود در این باب تقیضات لازمه نموده معلوم نمایند که علت تأخیر تقدیم بودجه چیست و از طرف کدام وزارت خانه تصور شده و می شود بالاخره سعی کنند که بودجه را هر چه زودتر از طریق وزارت مالیه بمجلس پیشنهاد نمایند که از تصویب مجلس بگذرد معاضد الملك خلیل فهیم الملك ذکاء الملك - محمد ولی - نصر الله التقوی - الاحقر حسین یزدی - حاج میرزا رضاخان - غلام حسین - ابراهیم - احمد شیبانی .

رئیس - بلی این پیشنهاد را بنده بهتر از همه ترتیبات صلاح میدانم که همان اشخاصیکه برای کمیسیون تقیض انتخاب کرده اند این کار را هم بهمان هارجوع کنیم که در این باب هم تقیضات لازمه را بنمایند و لوازم تسریع آمدن بودجه را بمجلس فراهم نمایند دیگر که گمان میکنم محتاج برای نیست .

افتخار الواعظین - چند وقتی است که بنده يك صورت سئوالی نوشته و به هیئت رئیسه تقهیم کرده ام از وزارت امور خارجه در خصوص اقدامات انگلیس دربندر لنگه از آقای رئیس سئوال میکنم که سئوال بنده فرستاده شده است و تشریف نیاورده اند یا فرستاده نشده ؟

رئیس - بلی سئوالات چندی است که آقایان نمایندگان از وزراء نموده اند و فرستاده شده مجدداً نوشته میشود که تشریف بیاورند .

کاشف - این مطلب منافی با این نیست که وزراء حاضر شده جواب سئوالات را بدهند .

رئیس - عرض کردم سئوالات نوشته شده فرستاده شده است مجدداً هم خواهیم نوشت .

میرزا مهرتضی قلیخان - نتیجه انتخاب بکنفر برای کمیسیون فوائد عامه که انتخاب شده بود آقای آقا میرزا ابراهیم خان یا چهل هفت رأی منتخب شدند . رایورت کمیسیون تقیض جنوب بمبارت ذیل قرائت شد .

بتاریخ دوازدهم شهری قعدة کمیسیون با اکثریت آراء آقای دکتر اسمعیل خان را بریاست آقای حاج عز الممالک را به منشی گری و آقای وکیل الرعایا را به سمت مخبری تعیین و چند جلسه متوالی با هیئت وزراء مذاکرات لازمه در قراهم نمودن موجبات تکمیل انتظام امور ایالت فارسی نموده اقداماتی که اسباب اطمان خاطر نمایندگان محترم باشد از قرار ذیل صورت پذیرفت .

۱ فرستادن ایالت که از مهم ترین امور بود هیئت دولت مأمور صحیحی که محل وثوق خود دانسته تعیین نمودند ۲ - در باب قوای نظامی وزارت جنگ متعهد شدند تا ۱ روز دیگر دوهزار نفر مسلح بیاورند و سوار باتویخانه کامل در تحت ریاست بکنفر رئیس اردو بمسئول فارس حرکت بدهند ۳ - تمام وجه مخارج اردو بوزارت جنگ تهیه و پرداخت شده است ۴ - برای

انتظام امر نظمی و ژاندارمری مسیومالتابایک نفر رئیس
نظمیه در ظرف یک هفته با عده سواری حرکت
خواهند کرد .

(۵) وجهی نیز برای قشون ساخت و
فارسی تلگرافاً بشیراز همین دو روزه رسانیده که
با نظارت کمیسیون مر کب از رؤسای ادارات دولتی
حقوق افراد قشون را بپردازند .

حاج سید ابراهیم - این راپورت کمیسیون
خوب بود که خوانده شد یعنی کمیسیون برای
معاونت وزراء در تقویت امور جنوب معین شده بود
و واقعاً و کلای فارس هم خیلی آمد و شد کردند و
حالا هم بنده در جلسه وزراء بودم یک مشت تلگراف
حضوری بود که مخبره شده بود از صولت الدوله گویا
جنوب دیگر اغتشاش نداشته باشد فقط برای عبور
و مرور ایل یک سگته بقافله وارد شده و این چیزی
که واقع شده است چندان مهم نبوده ولی این را
می توانم عرض کنم که برای ترتیب حکومت فارس
همچو چیزی که خوانده شد حکومت معین شده است
از اینجا برود چنین کسی که بدانم کی حرکت میکند
این را من اطلاع ندارم رئیس نظمیه و امنیه راهم
بنده اطلاعی ندارم که کی حرکت می کنند بنا بود
دویست سوار هم دوسه روزه بفرستند آنرا هم هنوز
انجام نداده اند ولی یک نفر از اعیان فارسی حاضر
شده است که فعلاً صد نفر سوار در سرحد آباد حاضر
سند و از صد الی سیصد سوار برای امنیه حاضر
کند که دولت فشنگ و مخارج آنها را بدهد و اسب
و تفنگ خودش بدهد و مخارجش هم هر چه دولت
تصویب کرد خودش بدهد بعد سال دیگر دولت پای
مالیات او محسوب دارد پس ضمیمه اصلاحات جنوب
بمعل آمده ولی اقدامات وزراء بجزی که متعین
باشد بنده ندیده ام غرض این است که مسبق باشیده

حاج وکیل الرعایا - امروز روز پنجمی
است که این کمیسیون انتخاب شده است و خیلی اطمینان
پیدا کرده است باینکه آن راپورتی که داده شده
است هیچیک زورش عرض نمی شود برای فرستادن
قشون لوازم اولیه اش که پول است بوزارت جنگ
تسلیم شده است معلوم است وزارت جنگ بعد از
آنکه پول گرفت قشون را زود تر از پانزده روز
می تواند حرکت بدهد و یک تعهد لایتنری کرده
است که یک عده قشون کافی که آنقدرش که احتیاطی
انگت کمتر از دوهزار نفر نمی تواند باشد بطوریکه
لوازم آنها کافی باشد بفرستد و هر چه باز دولت در
تعقیب آن صلاح دانست البته بعمل خواهد آورد و
اینکه آقای حاج سید ابراهیم فرمودند که دولت در
اصلاح امور آنجا چیزی که اسباب اطمینان باشد
بطوری که لازم است اقدام نکرده برای تکمیل
نواقص آنجا باین درجه که فرمودند نیست خیلی
اقدامات شده و خبرهای خوب میرسد و در خصوص
حکومت هم چنانکه خودشان لازم دانستند و اتفاق
دولت بود یک نفر را خودشان انتخاب کرده اند و
بعد خودشان بهر ض مجلس خواهند رسانید از وظیفه
ما خارج است و ما اسماً از دولت حکومتی نخواستیم خود
دولت شخصی را که معین کرد و گفت این کافی است
و تلگراف هم شده و خبرهای خوب میرسد و بطوریکه

دیگران شهرت می دهند نیست فقط یک پولیکه
برای قشون آنجا لازم بود آنهم بتوسط تلگراف
دستور معین شده که قشون را بخواهند و بآنها
اطمینان بدهند که بخدمت خودشان مشغول بوده
حسن خدمت خود را بروز بدهند و آن پول را هم
قرار شد فردا بفرستند چنانچه در راپورت هم نوشته
شده است و آن قشونیکه در آنجا هست یک چند
نفری بین آنهاست که دولت از آنها راضی نیست
و مقرر کرده است که حقوق آن چند نفر را ندهند
که نتیجه بگیرند و گمان میکنم تا آنقدرش صورتی
نشده است بیشتر از این بانداشتن راه آهن گمان
نمیکند در ظرف پنج روز میسر گردد و حقوق آنها
را هم فردا حواله میکنند و می خواهم عرض کنم که
مجلس بتواند اطمینان پیدا کند که از این بعد یک
خبر بدی بآنها نخواهد رسید و همه روزه منتظر باشید
که خبرهای خوب بشنویند در این موقع شروع بقرائت
قانون محاسبات عمومی گردید .

ماده ۲۴ از پیشنهاد وزیر که در کمیسیون ماده
۲۶ شده بود قرائت شد بعبارت ذیل :
ماده ۲۶ اعتبارات اضافی منظور نمی شود مگر
بموجب قانون مخصوص .

اعتبارات اضافی بر دو قسم است فوق العاده
منضمه اعتبارات فوق العاده اعتباراتی است که پیش
بینی آن در قانون بودجه غیر ممکن بوده و برای
تاسیسات یا احتیاجات جدید الاحداث یا بجهت
توسعه تاسیسات خارج از حدود قانون بودجه لازم
می شود اعتبارات منضمه اعتباراتی است که برای
تکافوی مخارج بعضی اموری که در بودجه پیش بینی
شده است لازم می شود .

آقای حاج شیخ ابراهیم - این عبارت که
می نویسید تاسیسات یا احتیاجات جدید الاحداث این
عبارت چندان خوب نیست و آن عبارت بعدش را
هم که نوشته است اعتبارات منضمه اعتباراتی است
که برای تکافوی اینها هم خوب است قدری توضیح
بدهند که بنده نمی فهمم .

فهییم المک - این دو عبارتی که در لایحه
وزیر در کمیسیون نوشته شده است مفهوم هر دو یکی
است ولی مقصود از راپورت کمیسیون بهتر بدست
می آید و حالا هم بطور مختصر عرض می کنم که
خاطر آقایان مسبق باشد بودجه هر سالی را که
به مجلس می آورند اعتبارات تخمین آنسال را هم به
مجلس می آورند و تصویب می شود و در آنجا معین
می کنند بودجه شروع با اجرا می شود ممکن است در
ضمن اجرای بودجه بعضی مخارجاتی پیدا شود که
در بودجه قلم نشده باشد یا قلم کرده اند و کم بوده
است در اینجا دو حالت پیدا می کند اگر در موقعی
باشد که مجلس منعقد است که معلوم است بمجلس
می آورند یا تصویب می شود یا رد می شود اگر در
موقعی است که مجلس نباشد یا تعطیل باشد عرض
از می توان مجلس این است که دوره مجلس تمام
شده و دوره تقنینیه بسر آمده است در این موقع چه
باید بکنند تقنینیاتی اگر در این مورد کرده اند یا
اضافه و فوق العاده نظر بموقعی است که مجلس
نبست حالا این مخارج یا اینکه پیش بینی شده

است و در موقع اجرا هم باز دو قسم می شود
یک مرتبه این مبلغ کافی می شود یک مرتبه این
مبلغ کافی نیست مثلاً یک مرتبه می گویند یک سرباز
خانه برای دولت بسازند و تصویب می کند و چهل
هزار تومان هم برای آن اعتبار معین می کنند در
بین کار شاید ۵ هزار تومان اضافه خرج پیدا کرد
این ۶ هزار تومان را می خواهند خرج بکنند حالا
چه بکنند در صورتیکه یک اعتباری بوزیر داده شد
که این سرباز خانه ساخته شود و کسر می آید حالا
این کسر را بعنوان ضمیمه اعتباری که مجلس تصویب
کرده است معین می کنند یک قسم دیگری هم هست
که در بین سال اجراء و مامورینی لازم شده و معین
کرده اند آنهم چیزی است که پیش بینی شده است
و در مجلس اساساً آنکار تصویب شده است یک
مرتبه راجع بیک چیزی است که قبلاً پیش
بینی نشده است و در بودجه سال قبل ابداً اسمی از

او برده نشده است اینهم بر دو قسم است یا از قبیل
تاسیسات جدید است یا از قبیل تاسیسات فوق العاده
است مثلاً یک مرتبه اجراء پستی در یک نقطه داریم
که لازم میشود در آنجا یک پستخانه بسازند این یک
تاسیس جدیدی است و از جمله آن شق تاسیسات
جدید الاحداث است یک مرتبه در یک نقطه ابداً
پستخانه نداریم و در آنجا لازم است پستخانه دایر
شود و ساخته شود این از جمله تاسیسات فوق العاده
است مخارج هم همینطور بر دو قسم است مخارج
جدید فوق العاده مثلاً یک مرتبه در موقعی است که
مجلس نیست و یک وزیر مختاری بایران می آید و ورود
او مخارجی پیدا میکند و این قبیل مخارج بدیهی
است در بودجه اسم برده نشده و این یک مخارجی
فوق العاده است یک مرتبه یک اداره است تاسیس
شده و یک مخارجی هم برای او منظور شده حالا
لازم دانسته اند که یک اداره جزء هم بآن افزوده
شود این از مخارج جدید است در این مواقع که
عرض کردم برای این مخارج می خواهیم بدانیم وزراء
چه باید بکنند اینها یک اعتباراتی است که بوزراء
داد میشود که وزراء حق داشته باشند بشرایطی
که در آنجا مذکور شده است در موقعی که مجلس
تعطیل شده یا حکم بانفصال او شده این مخارج را
بنمایند باین جهت اینگونه مخارج را بر دو قسم
کرده اند یکی آن است که برای تکافوی مخارج باشد
همان قسم که عرض کردم از برای سربازخانه چهل
هزار تومان مصارف معین شده و چهل و پنج هزار
تومان خرج دارد برای تکافوی آن چیزی که مجلس
تصویب کرده است که ساختن سرباز خانه باشد
پنج هزار تومان لازم است این تخصیصات معین می
کند و اجازه می دهد که این مبلغ را با تصویب مجلس
شورای دولتی و با اجازه دیوان محاسبات بشرایطی
که ذکر شده است خودشان تصویب کنند .

آقا شیخ ابراهیم زرنجانی - بنظر بنده
اگر لفظ احداث حذف شود و بنویسند احتیاجات
جدید رفع اشکال خواهد شد .

حاج سید ابراهیم - یعنی اگر
احداثش بیفتد و تاسیسات جدید نوشته شود این
اشکالات رفع میشود .

افتخار الواعظین - اگر بجای تکافوه تکبیل گذاشته شود بهتر است .

رئیس - مذاکرات کافی است حالا رای میگیریم در این ماده ۲۶ مطابق راپورت کمیسیون بجنف احداث کسانیکه وافتقد قیام نمایند .

رئیس - اکثریت حاصل شده ماده ۲۵ از لایحه وزیر قرائت قرائت شد .

قانونیکه اعتبارات فوق العاده و منضمه را معین میکند باید مجلس مخارج آنرا از منافع مخصوص مختص نماید .

حاج سید ابراهیم - این اعتبارات فوق العاده را کفتم برای تاسیسات و احتیاجات جدید است وقتیکه برای احتیاجات شد آنوقت دیگر لازم نیست که ما اینجا مناقش را معین کنیم در صورتیکه احتیاج است خودشان معین میکنند مانعی هم ندارد .

فهییم الملک - دولتیکه یک بودجه صحیح قانونی پیدا میکند برای تمام مخارج او باید معین کند یعنی وقتیکه یک بودجه تصویب شد نمی شود از یک مجلس پول بردارند و صرف مجلس دیگر بنمایند باید آن مجلسی که برای مصرفی معین شده صرف همان مجلس بشود و یک مخارج فوق العاده که محتمل است پیدا شود باید یک معنی گذاشت که از آن مجلس صرف آن مخارج فوق العاده بنمایند بجهت اینکه آیا ممکن است خرج فوق العاده پیدا شود یا خیر اینکه ممکن است آنوقت از کجا باید صرف شود نباید منتظر شد که وزیر از مجلس برداشته صرف مجلس دیگر بنمایند شاید وزراء صلاح بدانند از این مجلس برداشته صرف مجلس دیگر بنمایند در این صورت باید به مجلس اظهار بدارند که فلان وجه را از فلان مجلس صلاح میدانیم برداریم بفلان مجلس صرف کنیم آنوقت ما تصویب میکنیم نه اینکه اختیار داشته باشند از مجلس برداشته به مجلس دیگر صرف نمایند .

حاج سید ابراهیم - پس خوب است بنویسند مجلس بجای منابع معنی منابع مجلس جوش است و اینجا مناسبت ندارد .

وکیل الرعایا - در اینجا شاید یک مطلب دیگری هم هست که شاید الان در نظر نیست و آن اینست که ممکن است لازم شود برای دولت یک بنائاتی ساخته شود اگر بخواهد قبل از اینکه مجلس پیدا کرده آن را بسازد شاید این خوب نیست بجهت اینکه پولیکه صرف آن مجلس میکنند برای یک مجلس معین است در این صورت این مجلس که پول را صرف مجلس دیگر می شود بی پول می شود و بآن اداره سکنه وارد می آید و تعطیل می شود پس اگر ماریا بهیم یا اینکه وزیر بتواند وجه مجلس را به مجلس دیگر صرف نماید رای داده ایم که بعضی ادارات تعطیل بشود و اگر این قانون دولتی قانون مملکتی هم بشود خیلی خوبست بجهت اینکه دیگر مردم خرجی نمی کنند قبل از اینکه مجلس را تعیین نمایند .

رئیس - مذاکره ظاهر آکافی حالا رای می

گیریم ماده ۲۷ مطابق راپورت کمیسیون کسانیکه تصویب میکنند قیام نمایند .

رئیس - با اکثریت تصویب شد .

ماده ۲۶ لایحه وزیر و ماده ۲۸ راکمیسیون به بارت ذیل قرائت شد .

در موقع تعطیل مجلس شورای ملی که موافق اصل هشتم قانون اساسی معین میشود اعتبارات منضمه و یا فوق العاده که راجع با احتیاجات جدید باشد ممکن است پس از مذاکره در مجلس وزراء بر حسب حکم شورای دولتی تصویب شود تا زمانیکه شورای دولتی تاسیس نشده است تصویب دیوان محاسبات کافی خواهد بود در ظرف یکماه اول افتتاح مجلس شورای ملی احکام مزبوره باید پیشنهاد شده از مجلس شورای ملی اخذ رای شود .

حاج آقا - مطلب معلوم است ولی این عبارت که باید در ظرف یکماه اول افتتاح مجلس شورای ملی اخذ رای شود تصور میکنم اخذ رای چندین معنی نداشته باشد بجهت اینکه یک اعتباریکه وزیر میخواهد هر یک از اعتبارات مخصوصه یا منضمه یا فوق العاده که باشد فقط باید به مجلس اطلاع بدهد دیگر اخذ رای لازم نیست بجهت اینکه اخذ رای در موردی است که بتوان آن مطلب را در کرد این اعتبار را بطور میشود رد کرد فقط باید با اطلاع مجلس برساند .

فهییم الملک - در ماده ۲۶ حالا خواندیم که اعتبارات اضافی منظور نمیشود مگر بحکم قانون مخصوص قانون چیست لایحه قانون آن است که بتصویب مجلس شورای ملی رسیده باشد و تا مجلس چیزی را تصویب نکند قانونیت ندارد پس این اعتبارات را در وقتی مجلس شورای ملی تصویب نکرده است می فرمائید با الفرض قرض کردند و مجلس آمد و تصویب نشد چه می شود مسئول کیست مسئول وزراء هستند چاره دیگری نیست باید بدرجه مهم باشد آن مصرف که اطمینان داشته باشند که مجلس تصویب خواهد کرد .

حاج آقا - فرمایشات آقای مخبر معترضه به شکل یک ماده الحاقیه قید کرد لکن تکلیف وزیر این است که در ظرف ماه اول مجلس بدهد دیگر تکلیف او نیست که مجلس را مجبور کند که در ظرف همان ماه رای بدهند منتهی باید وزیر بتواند ثابت کند که من در ظرف ماه اول تقدیم کرده ام .

آقا شیخعلی شیرازی - فرمایش حاج عز الملک را نفهمیدم که یک اعتباری را بینیم مجلس امضاء میکند یا نمی کند یک مرتبه میخواهیم به بینیم این اعتبار را در آن موردی که وزیر خواسته است خرج شده است یا نشده است اگر مقصود این است اینکه ربطی باین موضوع ندارد و اگر مقصود این است که این اعتبار بجا داده شده است یا خیر آنرا الان شما بوزیر بوجوب همین قانون اذن می دهید که بتصویب مجلس شورای دولتی صرف کند آنوقت بعد از آنکه وزیر بتصویب شورای دولتی خرج کرد در صورت رد از مجلس شورای ملی باید پول بدهند یا ضامن است این بی

اینکه بتصویب مجلس رسیده باشد یا بعد از افتتاح مجلس آن مخارج طوری باشد که بتوانند مجلس را اقیاع کنند و از مجلس رای بگیرند و اگر مجلس رای ندهد و رد کنند خود وزراء باید از عهد بر آیند و این سختی برای این است که وزراء مبادا عمداً تأخیر در افتتاح مجلس نمایند .

دکتر علی خان - در اینجا نوشته است ممکن است پس از مذاکره در مجلس وزراء ممکن است در صورتی نوشته میشود که مطلب دو صورت داشته باشد و این آنطور نیست پس بجای لفظ ممکن است باید لفظ [باید] نوشته شود .

افتخار الواعظین - بنده میخواستم عرض کنم که یک اعتبارات فوق العاده و منضمه هست که در قانون بودجه معین میکنند و در مجلس پیش بینی شده است یا آنکه به مجلس نیامده و پیش بینی نشده است اگر مواد آن است که مجلس نیامده و پیش بینی نشد در آن صورت عرض میکنم تصور فرمایند که در بین سال یک مخارجی از برای دولت پیدا

که چون این مخارج لابد یک درجه خالی از اهمیت نیست و شورای دولتی هم تصویب کرده دیگر رای مجلس لازم نباشد آن اخذ رای که نوشته شده زیاد است باید نوشته شود با اطلاع مجلس میرسانند .

عز الملک - در اینجا آقای حاج آقا یک اشتباهی فرمودند بجهت اینکه اینجا در ماده بیست و شش میگوید اعتبارات اضافی منظور نمی شود مگر بوجوب قانون بعد توضیح میکند که اعتبارات اضافی بردو قسم است فوق العاده و منضمه اعتبارات فوق العاده را هم باز دو قسم میکند راجع بتاسیسات جدید یکی راجع با احتیاجات جدید در ماده ۲۸ مقصودش اعتبارات فوق العاده است که با احتیاجات جدید است و این اعتبارات را هم که مطابق ماده ۲۶ معین کرده است که باید قانونی باشد حالا در عرض سال یک احتیاجات فوق العاده برای وزیر اتفاق افتاد بطوریکه مثل زدن بعد از افتتاح مجلس باید آن مخارج را به مجلس بیاورند که تصویب شده قانونی باشد می خواهیم درست بدانیم که این مخارجی که این مخارجی که وزیر میگوید از احتیاجات جدید بوده بی محل است یا بمل خود واقع شده حکم که خواهد بود لابد حکم مجلس شوری است پس معلوم می شود بی محل بوده و مسئول وزیر است .

بجهت - بنده راجع باین موضوعی که آقایان اظهار فرمودند عرض ندارم بنده در آن عبارت آخر که نویسد در ظرف یک ماه اول افتتاح مجلس شورای ملی اطلاع مزبوره باید پیشنهاد شده از مجلس شورای ملی اخذ رای شود در این ماده بنده عرضی که دارم این است که باید قید شود در آنجا که در همان ماه هم مجلس شورای ملی اخذ رای میکند بجهت اینکه ممکن است وقتی که بدون این قید گذاشتند ده سال هم طول بکشد و مجلس اخذ رای نکند در صورتیکه وزیر در ماه اول افتتاح مجلس تقدیم کرده باشد در این صورت ممکن است دلائل وزیر هم ازین برود پس بنده لازم می دانم که قید شود که مجلس هم در همان ماه اخذ رای نماید .

فهییم الملک - این مسئله را ممکن است بشکل یک ماده الحاقیه قید کرد لکن تکلیف وزیر این است که در ظرف ماه اول مجلس بدهد دیگر تکلیف او نیست که مجلس را مجبور کند که در ظرف همان ماه رای بدهند منتهی باید وزیر بتواند ثابت کند که من در ظرف ماه اول تقدیم کرده ام .

آقا شیخعلی شیرازی - فرمایش حاج عز الملک را نفهمیدم که یک اعتباری را بینیم مجلس امضاء میکند یا نمی کند یک مرتبه میخواهیم به بینیم این اعتبار را در آن موردی که وزیر خواسته است خرج شده است یا نشده است اگر مقصود این است اینکه ربطی باین موضوع ندارد و اگر مقصود این است که این اعتبار بجا داده شده است یا خیر آنرا الان شما بوزیر بوجوب همین قانون اذن می دهید که بتصویب مجلس شورای دولتی صرف کند آنوقت بعد از آنکه وزیر بتصویب شورای دولتی خرج کرد در صورت رد از مجلس شورای ملی باید پول بدهند یا ضامن است این بی

مجلس است بجهت اینکه وزیر که خودش از پیش خود خرج نکرده بوجوب همین اجازه که باو می دهید خرج کرده بنده تصور میکنم دیگر تصویب مجلس را لازم ندارد .

مشیر الدوله - فرمایش آقای مخبر چنین می فهماند که مجلس شورای ملی میتواند آن مخارج را در ظرف همان ماه افتتاح که وزیر پیشنهاد کرده رد یا تصویب نماید و می تواند در ظرف ده ماه داخل در شور آن بشود در صورتی که بقیه بنده آن ماده می فهماند که مجلس مجبور است در ظرف همان ماه اول داخل در شور آن بشود و اگر این ماده همین حال باقی ماند ممکن است در آینده موجب سوء تفاهم شود چون آن عبارت دو قسم ممکن است از او استفاده کردم بهمان طریق که مخبر اظهار فرمودند هم باین طریق که عرض کردم ولی مجلس البته مجبور نیست کادر ظرف ماه اول اخذ رای نماید می تواند در ظرف ماه اول رای بگیرد میتواند ده ماه بعد داخل در آن شور شود باین جهت بنده پیشنهاد میکنم که اگر صلاح بدانند این طرز نوشته شود که در ظرف یک ماه اول افتتاح مجلس شورای ملی احکام مزبوره پیشنهاد شده از مجلس شورای ملی اخذ رای شود که مربوط بنایند هم تقدیم را و هم اخذ رای را بهمان ماه اول افتتاح .

مجلس است بجهت اینکه وزیر که خودش از پیش خود خرج نکرده بوجوب همین اجازه که باو می دهید خرج کرده بنده تصور میکنم دیگر تصویب مجلس را لازم ندارد .

مشیر الدوله - فرمایش آقای مخبر چنین می فهماند که مجلس شورای ملی میتواند آن مخارج را در ظرف همان ماه افتتاح که وزیر پیشنهاد کرده رد یا تصویب نماید و می تواند در ظرف ده ماه داخل در شور آن بشود در صورتی که بقیه بنده آن ماده می فهماند که مجلس مجبور است در ظرف همان ماه اول داخل در شور آن بشود و اگر این ماده همین حال باقی ماند ممکن است در آینده موجب سوء تفاهم شود چون آن عبارت دو قسم ممکن است از او استفاده کردم بهمان طریق که مخبر اظهار فرمودند هم باین طریق که عرض کردم ولی مجلس البته مجبور نیست کادر ظرف ماه اول اخذ رای نماید می تواند در ظرف ماه اول رای بگیرد میتواند ده ماه بعد داخل در آن شور شود باین جهت بنده پیشنهاد میکنم که اگر صلاح بدانند این طرز نوشته شود که در ظرف یک ماه اول افتتاح مجلس شورای ملی احکام مزبوره پیشنهاد شده از مجلس شورای ملی اخذ رای شود که مربوط بنایند هم تقدیم را و هم اخذ رای را بهمان ماه اول افتتاح .

لسان الحکماء - بنده گمان می کنم آقای حاج عز الملک اگر قدری اندیشه میفرمودند این فرمایش را نمی فرمودند بجهت اینکه اینجا نوشته شده است تا زمانیکه شورای دولتی تاسیس نشده است تصویب دیوان محاسبات کافی خواهد بود و دیوان محاسبات را قائم مقام مجلس شوری قرار دادید حالا وزیر مسئول اگر در غیاب مجلس احتیاجی پیدا کرد و بدیوان محاسبات اظهار کرد و دیوان محاسبات اجازه داد بعد به مجلس که آمد و رد شد میخواهم بدانم با دیوان محاسبات که این را تصدیق کرده است چه خواهید کرد در صورتی که وزیری که این خرج را کرده بواسطه تصویب دیوان محاسبات توانسته که این خرج را بنمایند خوب است این دقت هم بشود .

فهییم الملک - میخواستم عرض کنم که مواد قانون هیچ وقت جزء بجزش قانون نیست تمام ماده یک قانون است در این جا می نویسد که در زمان تعطیل مجلس شورای ملی با این شرایطی که نوشته است وزیر یک اعتباری میگیرد بتصویب شورای دولتی و در نبودن شورای دولتی بتصویب دیوان محاسبات آن وقت به مجلس می آید باید مجلس تصویب کند اگر مجلس تصویب نکند اگر مجلس تصویب نکرد مسئولیت با وزیر و این خرج بهمه وزیر است و این سخت گیری در این قانون بجهت آنست که حتی الامکان دساتی در بین باشد که وزراء نتوانند هر قسم مخارجیکه میخواهند بکنند و اگر این مواد بشود شاید در نبودن مجلس بی اندازه خرج می کردند آنوقت زحمات دیگری که بدتر از این است تولید می شد از این قبیل که مثلا بجهت یک خرجی شاید وزیر را بهما که بکشید

سلیمان میرزا - بنده می خواستم آقای مخبر توضیح بدهند بدانیم که فایده اینکه نوشته شده است وزیر مالیه برض ملوکانه میرساند چیست اگر ما یک اختیاراتی بجهت پادشاه گذاشته بودیم که او بتواند تصویب بکند یک مطلبی بود ولی در صورتیکه تصویب وعدم تصویب اومساری شد چه ازوم کرده که این لفظ نوشته شود .

فهییم الملک - چون این قانون محاسبات است اینهم از شرایط راجع به محاسبات است کلیه قوانین که وضع می شود بعضی از شرایط جزئیات او است که آنها در خود قانون ذکر نمی شود در ضمن نظامنامه ما باید می آید چون اگر بخواهند تمام آن جزئیات را در یک جا بنویسند یک کتاب بزرگ می شود توضیح این مطلب در نظامنامه راجع به دستخط های ملوکانه می شود چون یک قانون محاسبات سالیانه است که در آنجا حساب یکسال هست و به مجلس می آورند و اخذ رای در آن می شود و از اول سال تا آخر سال آنرا اجرا می کنند در مقابل این قانون محاسبات سالیانه یک قانون محاسبات ماهیانه هم هست که وزراء دارند و همه ماهه مخارج ماه آنیه خودشان را در آن نوشته بوزارت مالیه میفرستند وزارت مالیه آن حساب ماهیانه وزراء را می فرستد با اداره خزانه و معین می کند که چقدر وجه حاضر دارند و چقدر می توانند حوالجات را بدهند در این ضمن ممکن است خزانه بقدریکه وزاء پول می خواهند نداشته باشد در این موقع وزیر مالیه یا سایر وزراء مذاکره می کنند تا معین شود آن مقدار وجهی که در خزانه حاضر است و می توانند بپردازند چقدر است آن وقت باید یک تقسیمی می کنند یا نظر باهت مصارف وزارت

خانها تقسیم می کنند ومرض ملوکانه میرسانند و دستخط همایونی برطبق آن صادرمی شود این بجهت آن است که همیشه معین باشد ووزیر مالیه قبل از وقت بداند چقدر پول لازم دارد و مخارج از چه قرار است وجوه حاضرشان چقدر است و دستخط پادشاه برآی این استکه وزراء علاوه بر آن ماخذ حواله نکنند .

مؤتمن الملک - علاوه بر توضیحی که مخبر داده بنده عرض میکنم درهرماه يك اعتباراتی برای وزارت خانها منظور شده ممکن است درهرماه هر يك ازوزارتخانها مبلغ کلی حواله بدهند و چون وزیر مالیه بکفته و قدرتی فوق سایر وزراء ندارد شاید درزحمهت بیفتد باین جهت معین کرده اند که همیشه در ماه قبل معین کنند که مخارج آنها چقدر است و چقدر پول دارند آنوقت پادشاه که رئیس قوه مجریه است يك دستخطی صادر میکند که دیگر سایر وزراء نتوانند علاوه بر آن ماخذ حواله بدهند با مطالبه نمایند .

رئیس - حالا رأی میگیریم بماده ۲۹ راپورت کمیسیون کسانیکه این ماده را بطوری که خوانده شد تصویب میکنند قیام نمایند .

رئیس - با اکثریت تصویب شد .
ماده ۲۸ - لایحه وزیر قرائت شد وماده ۳۰ راپورت کمیسیون بعبارت ذیل قرائت شد تشخیص خرجی که بر خزانه دولت تحمیل میشود فقط راجع بوزارت باشخاص است که از طرف وزراء مخصوصاً مجاز باین امر هستند مراد از تشخیص آنستکه میزان بدهی دولت پس از رسیدگی به اسناد در برابر هر يك از دائنین معین شود اسناد تشخیص قرض باید حاوی دلایل حقوق دائنین دولت بوده بترتیبی که فوائد مخصوصه مراداره معین میکنند نوشته شده باشد)

حاج سیدابراهیم - بهتر این است که دیوان محاسبات که مأمور تفریق و مقایسه کلیه این محاسبات است آن رسیدگی باین امور بکند بجهت اینکه راجع باشخاص است چه آنچه راجع بقیراشخاص است در حال این راجع بدیوان محاسبات است بجهت اینکه این تشخیص عملی و نتیجه کار اوست اینجا نوشته شده است که باشخاص است که از طرف وزراء مخصوصاً مجاز باین امر هستند این صحیح نیست باید نوشته شود بدیوان محاسبات

حاجی آقا - چون مخبر محترم جواب نداد بنده لازم است عرض کنم که اینطور نیست که آقای حاج سیدابراهیم فرمودند هر تشخیص خرجی که تحمیل بجزایه دولت میشود راجع بدیوان محاسبات نیست جزء هر وزارتخانه که هست این تشخیص راجع بوزیر آن وزارت خانه است که آن وزیر رسیدگی کرده اسناد خرج خود را بالاخره بوزیر مالیه میدهد و بعد بمجلس میآید پس تشخیص کاروزر است هر کدام نسبت بمخارجی که جزو وزارتخانه خودش باشد

رئیس - ظاهر آن مذاکره در این خصوص دیگر لازم نیست حالا رأی میگیریم کسانی که موافقت ماده ۳۰ راپورت کمیسیون بطوری که خوانده شد قیام نمایند .

رئیس - با اکثریت تصویب شد .

ماده ۳۱ لایحه وزیر که همان ماده ۳۱ راپورت کمیسیون است بعبارت ذیل قرائت شد
حواله ترتیب سندیت که بموجب آن داین باید طلب تشخیص شده خود را دریافت نماید حواله وزراء بر دو قسم است حواله مستقیم و حواله اعتباری حواله مستقیم آنستکه خود وزرا بلاواسطه در وجه يك یا چندین طلبکار دولت صادر میکنند حواله اعتباری سندیت که بموجب آن وزراء باشخاصی که حواله کنندگان درجه دوم نامیده میشوند از قبیل حکام یا مأمورین مخصوص اجازه میدهند تا مبلغ معینی در وجه طلبکاران دولت حواله صادر نمایند این حواله جات اخیراً حوالجات ابلاغی می نامند .

محمد هاشم میرزا - گویا مقصود این است که بفرمانند حواله سندیت که بموجب آن داشتن طلب خود را میگیرند نه این که مقصود ترتیب سند باشد اگر مراد این است خوب است قدری عبارت را واضح تر نوشت و اگر مراد غیر این است خوب است مخبر توضیح بفرماید تا بفهمیم

فهییم الملک - بله مقصود همان است که فرمودید عبارت هم میرساند .

رئیس - دیگر مذاکره لازم نیست حالا رأی بگیریم کسانیکه بماده ۳۱ راپورت کمیسیون بطوریکه قرائت شد موافقت قیام نمایند (اکثریت حاصل شد)
ماده ۲۹ لایحه وزیر قرائت شد وماده ۳۲ راپورت کمیسیون بعبارت ذیل قرائت شده هیچ خرج دولتی تأدیه نخواهد شد مگر قبلاً بیکي از وزراء مستقیماً آنرا حواله کرده باشد باینکه حواله کنندگان درجه دوم بموجب حواله اعتباری وزراء حواله ابلاغی داده باشند .

رئیس - در این ماده ملاحظه نیست اظهاری نشد
رئیس - پس رأی میگیریم کسانیکه بماده ۳۲ راپورت کمیسیون موافقت دارند قیام نمایند با اکثریت تصویب شد .
ماده ۳۰ از لایحه وزیر قرائت شد وماده ۳۳ راپورت کمیسیون بعبارت ذیل قرائت گردید .
حوالجات وزرا باید بامضای دیوان محاسبات رسیده و مبلغ آن از حدود اعتبارات معینه و تقسیمات ماهیانه خارج نباشد و الا وزیر مالیه آن حواله را امضاء نخواهد کرد .

حاج سیدابراهیم - این ماده بالا حواله را بر دو قسم کرد مستقیم و اعتباری و اینجا همین قسم مطلق را گذاشته لازم است فید شود حواله مستقیم را وزرا باید بامضای دیوان محاسبات برسانند حواله اعتباری بکلی از این موضوع خارج است بجهت اینکه مناط در تأدیه حواله ابلاغی نیست همان حواله مستقیمی است که وزیر میدهد .

فهییم الملک - معین قدری که فیدی نشده معلوم است که اعم است دیگر لازم نیست چیزی بنویسد .

حاج شیخ علی خراسانی - اینجا نوشته شده است والا وزیر مالیه امضاء نخواهد کرد بنده عرض میکنم خواهد کرد باید نوشته شود والا وزیر مالیه نباید امضاء کند تا اینکه این ها ترتیب پیدا کند .

رئیس - حالا رأی میگیریم کسانیکه بماده

۳۳ مطابق راپورت کمیسیون موافقت دارند قیام نمایند .

رئیس - اکثریت است .
ماده ۳۲ لایحه وزیر قرائت شد و ماده ۳۴ راپورت کمیسیون بعبارت ذیل قرائت شد وزرا اسناد مالیاتی را که حواله خزانه میکنند حوالجات مستقیم ضمیمه می نمایند و هم چنین حواله کنندگان درجه دوم اسناد را بصورت حوالجات ابلاغی که نزد تحویل داران می فرستند منظم خواهند کرد بعضی اظهار کردند لفظ مثبتی زیادی است .

(مخبر تصریح کرد)
رئیس - رأی میگیریم در این ماده ۲۴ بطوریکه قرائت شد با حذف لفظ مثبتی کسانیکه موافقت دادند قیام نمایند .

رئیس - با اکثریت تصویب شد .
ماده ۳۳ لایحه وزیر قرائت شد و ماده ۳۵ راپورت کمیسیون بعبارت ذیل قرائت وزرا خلاصه حواله کنندگان درجه دوم عین حواله ابلاغی راه طلب کار تسلیم می کنند به بموجب آن طلب کار تسلیم می کند که بموجب آن طلب خود را از خزانه دریافت دارند .

مشیرالدوله - بنده می خواهم عرض کنم اگر این ماده را يك قدری صریح تر می نوشتند بهتر بود بجهت اینکه مطلب را بهتر می فهمیدند اینجا نوشته شده است که وزرا خلاصه حواله مستقیم را و حواله کنندگان درجه دوم عین حواله ابلاغی را طلب کار می کنند مقصودش این است که در حواله مستقیم عین حواله را به طلب کار نمیدهند و در حواله ابلاغی عین حواله را به طلب کار میدهند اگر چه این مطلب از عبارت فهمیده می شود اما اگر توضیح شود بهتر خواهد بود مثل می نوشتمد وزرا بجای عین حواله مستقیم خلاصه حواله مستقیم را طلب کار می دهند باید يك چیزی بعقیده بنده زیاد کرد که وزرا نتوانند عین حواله مستقیم را بفرشند .

حاج آقا - گمان می کنم برای این معنی که خود آقای مشیرالدوله کرده اند عبارتی که قانونی باشد و سلیس باشد بهتر از این عبارتی که نوشته شده است پیدا بکنیم که غالب این معنی باشد خوب است و همان طور که ایشان این معنی را فهمیدند از این عبارت دیگران می فهمند این منعقد نیست .
رئیس - در باره ماده ۳۵ مطابق راپورت کمیسیون رأی میگیریم کسانیکه تصویب میکنند قیام نمایند .

رئیس - اکثریت حاصل شد .
ماده ۳۴ از لایحه وزیر قرائت شد وماده ۳۶ از راپورت کمیسیون بعبارت ذیل قرائت شد هر خلاصه حواله مستقیم و هر حواله ابلاغی که بموجب حواله اعتباری صادر می شود برای اینکه در یکی از صندوقهای دولتی وجه آن پرداخته شود با مستند باسنادی باشد که از آن اسناد بطور صحیح و واضح معلوم شود که وجه معینی برعهده دولت بوده و پرداخت آن حواله ذمه دولت را کلاً یا جزاً از دین مزبور بری خواهد ساخت .

افتخار الواعظین - اینکه معنی بوسیله حواله باید مستند باسنادی باشد مراد از این اسناد حرف

ادله است که ادله این حواله باید در آنجا نوشته شده باشد باینکه مراد اسناد کتبی است مراد کدام است خوب است مخبر توضیح فرماید .

فهییم الملک - در ماده ذیل ذکر میشود **رئیس** - رأی می گیریم در این ماده کسانی که بماده ۳۶ راپورت کمیسیون بطوریکه قرائت شد موافقت قیام نمایند .

رئیس - اکثریت حاصل شد .
ماده ۳۵ لایحه وزیر قرائت شد و ماده ۳۷ راپورت کمیسیون بعبارت ذیل قرائت شد :
تعیین اسناد مذکور در ماده فوق بسته بقرارداد وزیر مالیه یا هر يك از وزراء است که نسبت بانواع شعبات املاور اسناد لازمه را در يك فهرست معین میکند با ملاحظه شرایط ذیل :

اولاً از بابت مخارج اجزاء از قبیل مواجب و مزد و حق الزحمه صورتی از اسامی آنها که مطالب ذیل را دارا باشد الف - رتبه یا شغل ب - خدمتی که کرده است ج - مدت خدمت د - حقوقی که بموجب قوانین یا نظامنامه یا احکام بقرارداد کسوراتی که بموجب قانون یا نظامنامه یا احکام باید موضوع شود

ثانیاً از بابت مخارج اثاثیه از قبیل خرید و اجاره و اموال منقوله و غیر منقوله و خرید مواد ضروریه معیشت و مخارج بنشانی و استحکامات نظامی [قلعه برج و بارو] و طرق و شوارع و مخارج ساخت و مرمت و مواظبت اموال منقوله و غیر منقوله الف - مواد یا خلاصه مصدق از قوانین و احکام وزرا و قبالات فروش و اجاره نامه و قراردادهای ب - شرح اشیائی که تحویل شده و حسابهای که قطع شده شرح تشخیص طلب در این مشروحه باید کاریکه انجام شده و وجهی که بر ذمه دولت است معین گردد .

محمد هاشم میرزا - از اول تا بحال تمام مواد وصول را با حساب هندسی نوشته اند باینجا که رسیده اند بحساب ابجد نوشته اند که این حساب ابجد لایق طلسمات و دعوات جن گیر ها است نه اینکه در تقسیم فصل و مواد قانونی نوشته شود می خواهم بدانم علت رجوع چیست از حساب هندسی بحساب ابجد .

حاج سیدابراهیم - گویا در فارسی حق الزحمه همان مزد است دیگر هم نوشتن مزد بی محل است رتبه و شغل هم یا شغل نباید باشد این هر دو یکی است نهایت رتبه خاص دارد که از يك حیثی میبازد آنهم در ضمن شغل معین میشود .

آقامیرزا ابراهیم قمی - بسته بقرارداد وزیر مالیه است یا هر يك از وزراء چون لفظ اشتباه بلفظ با میشود خوب است نوشته شود و هر يك از وزراء

فهییم الملک - این ترتیبی است که وزیر مالیه یا سایر وزراء باید قرار بکنند حالا اگر بنویسیم و هر يك از وزراء معلوم میشود که هر يك از وزراء می توانند خودشان قرائی بدهند در صورتی که مراد این نیست مراد اینست که وزیر مالیه قرائی بدهد یا هر يك از وزراء .

عزز الملک - در آنجا که نوشته است که خدمتی که کرده است این عبارت خوب نیست خوب است طوری نوشته شود که مقصود خوب نهییده شود دیگر در خصوص استحکامات نظامی نوشته است قلعه و برج و بارو این دیگر لازم نیست بجهت اینکه استحکامات نظامی معلوم است .

آقامیرزا احمد - در پیشنهاد وزیر يك مقاله هم زائد بر قرارداد و فروش دارو خوب است آقای مخبر توضیح بفرماید که برای چه حذف کرده اند مقاله را و مقاله عین قرارداد است یا غیر قرارداد است .

فهییم الملک - مقاله در صورتی است که دولت با خارجه طرف باشد در آن موقع مقاله استعمال میکنند اما در موقعی که دولت باتبه طرف است قرارداد است .

میرزا مرتضی قلیخان - چون جواب شاهزاده محمد هاشم میرزا گفته نشد بنده لازم دانستم که جواب ایشان را عرض کنم این فقره که نوشته شده است این در تمام قوانین معمول است اگر مثل يك قانون دارای يك اول و دوم و سوم باشد آنوقت ب همان حساب هندسه می نویسند اما اگر هر يك از آن اول و دوم و سوم دارای اول و دوم و سوم شد آنوقت آنرا بحرف می نویسند تا يك امتیازی باشد .

حاج سیدابراهیم آن لفظ برج و بارو و قلعه در استحکامات نظامی باید حذف شود بجهت اینکه استحکامات نظامی اختصاص به این سه فقره ندارد .

رئیس - رأی می گیریم در ماده ۳۷ راپورت کمیسیون بطوریکه قرائت شد کسانیکه موافقت باین ماده قیام نمایند .

رئیس - اکثریت حاصل است .
ماده ۳۶ وزیر قرائت شد و ماده ۳۸ راپورت کمیسیون بعبارت ذیل قرائت شد .

تأدیه مخارج - وزیر مالیه باید مراقب باشد که هر حواله مستقیم و اعتباری که در حدود بودجه بوده و بامضای دیوان محاسبات رسیده باشد و همچنین هر حواله ابلاغی که در حدود حواله اعتباری باشد در همان موعد و معلی که از جانب حواله کننده معین شده است کارسازی شود .

رئیس - ملاحظاتی در این ماده است [گفتند خیر]

رئیس - پس رأی میگیریم کسانیکه ماده ۳۸ راپورت کمیسیون را بطوریکه خوانده شد تصویب می کنند قیام نمایند .

[با اکثریت تصویب شد]
ماده ۳۷ لایحه وزیر قرائت شد بماده ۳۹ راپورت کمیسیون بعبارت ذیل قرائت شد :

تحويللداران نمی توانند وجهی را که به صندوق آنها حواله شده نبردازند مگر وقتی که بر خود آنها محقق شود در اسناد عیب و نقص بوده و یا صحت قبوض مشکوک باشد یا اینکه کار خدمتی که وجه درازاه آن داده می شود هنوز محقق نشده است و یا اینکه از حدود اعتبارات معینه یا تقسیمات ماهیانه متجاوز شده باشد .

حاج سید ابراهیم - در این ماده تکلیفی برای تحويللداران معین شده که هیچ ربطی بوظایف آنها ندارد در دستور اول این مذاکرات شده بود گفته شد اینکه باید حواله را وزیر امضاء نماید بعد دیوان محاسبات امضاء نماید بعد وزیر مالیه امضاء کند بجهت این بود که آن حواله معکم باشد و عیب و نقص نداشته باشد دیگر اینکه تحويللدار هم اگر چیزی بنظرش رسید بتواند حواله را ندهد این هیچ فایده جز معطلی کار ندارد باین جهت عقیده ام این است که این ماده و این بوظیفه باید حذف شود

فهییم الملک - ترتیبات قانونی که از برای اداره مالیه و محاسبات معین میکنند قسمی است که تمام از اول تا آخر تعیین است از برای یکدیگر هر قدر که بتوانند تعیین را زیادتر کنند این حسن کار است این عیب کار نیست اداره خزانه خودش يك حقوق معینی دارد عرض کردم وقتی که آن قانون ماهیانه رفت با اداره خزانه اداره خزانه می داند هر يك از وزراء نتواند چقدر در این ماه می تواند حواله کند زیاده بر آن ماخذ هیچ وزیری نمی تواند حواله کند و اگر هر وزیری زیاده بر آن ماخذ حواله کند اداره خزانه نخواهد داد این يك عقی است که با اداره خزانه داده میشود و اگر عیب و نقص در آن حواله به بیند روی کاغذ آورده برای وزیر مالیه میفرستد حالا آن عیوبات چند قسم است مگر آنست که از نمراتیکه معین شده است برای يك وزارتخانه آن وزیر زیادتر حواله کرده باشد در آن صورت می تواند اداره خزانه آن حواله را رد کند یا اینکه مثلا چند فقره است که جمع زده اند جمش فلان مقدار شده است اداره خزانه همینکه دید در جمع خطائی شده آن خطا را نوشته بوزارت مالیه میفرستد فرضا جمع ریزهاده هزار تومان است پانزده هزار تومان نوشته شده است حالا نباید اداره خزانه در صورتی که می بیند اشتباه شده آن وجه را بدهد باید اخطار کند یا اینکه فرضاً وزیری يك حواله ابلاغی داده است از برای فلان مخارج دویک ولایتی آنوقت حاکم محل مأمور مخصوص انجام آن عمل حواله میدهد با اداره خزانه که بموجب آن حواله ابلاغی آن وجه اعتباری را باید بدهد آن وقت رئیس خزانه می داند که این خرج اصلاً نشده است آیا باید این وجه را بدهد رئیس خزانه در این موقع می نویسد که چون آن عمل انجام نشده است این وجه را ندادم و این حواله را کردم این قیودات برای این است که تمام این ادارات در ضمن اینکه بوظیفه خود عمل میکنند مفتش یکدیگر هم باشند

حاج شیخ الرئیس - توضیحاتی که جناب مخبر محترم دادند کافی است نه مکفی که بعضی مکلفی میگویند و لفظ مکفی غلط است حاج آقا اگر ملاحظه بفرمایند آقایان آنجا که گفتند هر حواله با اسناد مثبت منظم شده باشد آنها همه جهش این است که باید تحويللدار خودش يك حق نظری در آن داشته باشد والا نمر این چیست بییهی است که خزانه با تحويللدار آن وقتیکه حواله پیششان آمد اگر بنا شود فوری بدهند و هیچ ملاحظه نکنند اسباب اشکال میشود مثل اینکه فرضاً اگر وزیری

حواله مستقیم یا غیر مستقیم دارد اگر خزانه دار حق ملاحظه نداشته باشد و مبلغ یا عده حوالجات آن وزیر از حدود اعتباراتش بیشتر باشد کسی می فهمد که این زیادتر است و این حواله مشکوک است و اگر حواله مشکوک باشد آنوقت واقعا می تواند رد کند .

وزیر مالیه - بنده گمان میکنم اینجا يك اشتباه کوچکی واقع شده این حوالجات را آقایان تصور میکنند راجع بخرانه دار جزء است در صورتی که این حوالجاتی که مقصود است در اینجا نوشته شده راجع بوجوهاتی است که باید بخرانه برسد و خزانه دار کل باید آن پولها را يك کاسه بتحویلدار خانه میرساند که بعد از آنجا این حواله ها داده میشود و آن حوالجاتی که وزراء

بخرانه میدهند و باید از مجرای دیوان محاسبات بگذرد خزانه دار حق دارد که در او نظر کند به بیند از میان اعتبارات وزارتخانه اضافه باشد بجهت این که ممکن است دیوان محاسبات اشتباهی کرده باشد وزیر مالیه هم آنوقت لازمه را نکرده باشد اداره خزانه ملتفت شود یا آنکه چنانچه گفتند در جمع يك سهوی شده باشد در آن صورت خزانه حق دارد که این سهو را که دید آن حواله را نیردازد حالا آقایان تصور می کنند هر حواله سه تومانی که حقوق فلان آدم است و بخرانه میرود آنوقت تحویلدار در او دخل و تصرف می کند یا آنکه او را مشکوک می داند اینطور نیست اینجا تمام راجع است به آن حوالجات کل و آن حوالجات کل میرود بخرانه داری کل و آن خزانه داری کل البته باید يك وقتی داشته باشد چون تمام اینها باید مواظب باشند که مبادا يك چیز غلطی واقع شود او باید اخطار خودش را بکند و با او اگر هم حکم کردند که فلان حواله را بپردازد و از آن حواله را مشکوک دانست او باید بگوید آن حواله خطا است و من نمی کنم و هیچ مأموری يك چیزی که معلوم شد بر او خطا است نباید بموقع اجرا بگذارد .

حاج سید ابراهیم - در اینجا این عبارت بطور مطلق نمیتواند تحویلداران نمی نویسد تحویلداران مرکز بلکه بعد در تمام ولایات و ایالات سهمیه خزانه ماشین شد آن وقت اینها وظیفه خودشان را همین ها که اینجا نوشته شده است میدانند اینجا آقای وزیر مالیه میفرمایند مقصود این است مقصود آن نیست مانی را از عبارت باید بفهمیم و این عبارت تحویلداران جزء را هم شامل است میفرمایند فرض تقنین است تقنین خوب است صحیح هم هست ولی نه بعدیکه يك حواله سه ماهه طول بکشد برای اینکه تحویلداران را مشکوک دانسته است فرضاً تحویلدار فارس حواله بنظرش مشکوک آمد نظریات خودش را باید بنویسد و حواله بطهران بر گردد بعد از دو ماه آن حواله ممکن است بر گردد بفارس معلوم بشود که نظریات جناب تحویلدار بی محل بوده است .

وزیر مالیه - باز هم بطور معلوم شده که مطلب مشکوک ماند این قانون از روی قوانین خارجه تدوین شده است در خارجه معمول است يك وزارتخانه

يك حواله کل از وزیر مالیه می گیرد با اداره خزانه این حواله مثلا صد هزار دوست هزار تومان یا يك كرور است مثلا يك چنین حواله بوزارت جنگ داده می شود از چنین حواله اداره خزانه نظریات خودش را می کند آنوقت آن پول را وزارت جنگ میدهد بتحویلدار خودش و بموجب حوالجات وزیر جنگ تحویلدار میریزد و همین ترتیب مخصوصا در وزارت جنگ ما هم معمول است حالا در اینجا مقصود از این تحویلداران این است تحویل حزمه است که در وزارتخانهها است مقصود آن تحویلدار کل خزانه دولتی است .

آقای محمد پروچردی - در این عبارت می نویسد و یا اینکه کار و خدمتی که وجه در ازاء آن داده می شود هنوز محقق نشده است بنده این را از وظیفه تحویلدار خارج میدانم .

معین الرعایا - بعقیده بنده تمام این تکالیفی که در اینجا برای تحویلدار نوشته شده است از وظایف او است و صحیح است غیر از همانکه آقای محمد هم اظهار کردند که کار و خدمتی که این وجه در ازاء آن داده می شود هنوز محقق نشده باشد این از وظیفه تحویلدار خارج است .

وزیر مالیه - معلوم می شود باز هم مطلب برای آقایان واضح نشده ممکن است وقتی که بودجه کل از مجلس می گذرد در آنجا پیش بینی کرده باشند که در این سال فلان بنای بزرگ از برای دولت ساخته شود فلان کشتی ساخته شود و از این قبیل چیزهای دیگر و بعد ممکن است يك حواله باین اسم از وزارتخانه که این امر راجع باو است برد بدهیوان محاسبات دیوان محاسبات رجوع ببودجه کل می کند می بیند در آنجا این خرج در مجلس تصویب شده دیوان محاسبات هم امضاء می کند از آنجا میفرستد بوزارت مالیه وزیر مالیه هم دانسته یا ندانسته امضاء می کند آنوقت میآید بخرانه که از خزانه گرفته می شود خزانه دار ملتفت می شود که چنین خرجی نشده است و امسال نمی شود و جاومی گیرد این يك خلاف وظیفه نیست .

حاج آقا - تصور میکنم که آقای وزیر مالیه که میفرمایند حوالجات مختصی بحوالجات وزرا است که بخرانه حواله میدهند و این حق نظر مخصوص تحویلداران خزانه مرکزی است در حوالجات کلی که وزراء بخرانه میدهند این صحیح نباشد و نظر کمیسیون هم در موقع شور اینها باین است که آقای وزیر مالیه میفرمایند نبودم چون بنده هم حضور داشتم نظرات کمیسیون را عرض میکنم نظر کمیسیون باین بود که تحویلداران در کلیه حوالجات مستقیم وجه در حوالجات اعتباری وجه در حوالجات ابلاغی که ولایات حواله میکنند آنها هم در صورتیکه معیوب دیده شد بطوریکه در ماده ۴ ذکر شده باید نظرات تحویلدار منظم شده بفرستد پیش امین مالیه و بدیهی است در صورتیکه در آن حواله هم عیب و نقص دیده شد باید تحویلدار آن را نهد و آن سند را مردود کند بجهت اینکه اگر در اینجا این تکلیف و وظیفه را رعایت ندهیم که تحویل داران جز بحق نظر نداشته باشند آنوقت لازم میآید که هر حواله مشکوکی را بعضی رؤیت تحویلدار بدهد و برایشکه قبض داشته باشد که آن سند

معیوب است یا اینکه از حدود تقسیمات ماهیانه خارج است در صورتیکه باید نظریات خودش را وقتیکه معیوب دیده منظّم کرده بفرستد پیش امین مالیه اگر او دید آن نظری بی محل است که تحویلدار را متقاعد میکنند و اگر او هم تصدیق کرد میفرستد به مرکز پیش وزیر مالیه و در حوالجات اعتباری هم امین مالیه باید بداند که از حدود اعتبارات خودش تجاوز نکند بجهت اینکه ممکن است مأمور ولایتی پیش حدود اعتبارات خودش حواله بدهد پس باید تحویلدار ملتفت باشد در صورتیکه حواله از حدود اعتبارات خارج شده و جلو گیری کند و این حق فرقی نمیکند چه در حوالجات مستقیم اعتباری یا ابلاغی در تمام آنها باید منظور شود و ما نباید در مقام جلوگیری از آن حق باشیم و بجهت اینکه اگر ملاحظه این را بکنیم که ممکن است نظراتش مفرضانه باشد از جاو گیری از این مطلب حدود نظرات او را معین کرده ایم که نظرات تحویلدار در اینمطلب است که حواله نباید از حدود اعتبارات معینه خارج باشد یا آنکه خدمتی که این وجه در ازاء او داده میشود نشده باشد دیگر اینکه معین کرده ایم که نظرات خودش را بنویسد وقتی که نباشد نظرات او منطقی است که بپذیرفته است و اگر منطقی نیست که معلوم است تقشیش میشود آنوقت معلوم شد اعمال فرض کرده است ترتیب دیگری دارد پس در این صورت هیچ نباید ما تردید داشته باشیم و بگوئیم که ممکن است مفرضانه کار بکند .

وزیر مالیه - بنده عرض نکردم که این فقط راجع بحوالجات مستقیم است و ربطی بحواله اعتباری ندارد هر دو در عنوان خزانه داری داخل می شود مقصود بنده این بود که این حق از برای خزانه داری کل هست که دقت نظر بکند بعلاوه این حق برای کلیه مأمورین دولت هست مخصوصا نظر بنده هست وقتی که قانون وزارت داخله را می نوشتیم در چند ماده آن قانون نوشته شده است که اگر بمأموری حکم شود که کاری را انجام بدهند و او بداند که آنکار خلاف قانون است باید بفرستد خودش بگوید که اینکار خلاف قانون است و نباید عمل شود اگر رئیس او در مرتبه سختی کرد و امر کرد او را با اجرای آن مأمور باید سند کتبی از او بخواهد حالا درست در نظرم نیست که در کجای آن قانون است ولی عرض می کنم مأمورین جزء هم اگر يك چیزی را خلاف قانون دیدند این حق برای آنها هست که او را اخطار کنند ولی آنچه در این قانون نوشته شده است آن راجع بخرانه داری کل است .

مؤتمن الملک - این ماده نتیجه ماده ۳۶ راپورت کمیسیون است برای این که کار های اداره بخوبی تقشیش بشود چاره نیست که اینک به تحویلداران جزء که در محل هستند تقشیش را بآنها هم رجوع بکنیم چون دیوان محاسبات که در مذاکرات نمی تواند در نقاط مختلفه تقشیش بکند باین جهت نوشته شده است تحویلداران نمی توانند

وجهی که به آنها حواله شده نپردازند مگر وقتی که بر خود آنها محقق شود در اسناد عیب و نقص بوده الی آخر ماده تا باین واسطه در نقاط مختلفه تقشیش بعمل بیاید بواسطه همان تحویلداران اینجا در ماده ۳۶ کمیسیون می نویسد که هر خلاصه حواله مستقیم و هر حواله ابلاغی که بموجب حواله اعتباری که صادر می شود برای اینکه در یکی از صندوق های دولتی وجه آن پرداخته شود باید مستند به استنادی باشد که از آن اسناد بطور صحیح واضح و معلوم شود که وجه معینی بر عهده دولت بوده و پرداخت آن حواله ذمه دولت را کاملا یا جزء از دین مزبور بری خواهد ساخت حالا ملاحظه فرمائید که اگر يك اعتباری از مجلس شورای ملی گرفته شده باشد از برای ساختن يك سرباز خانه در اصفهان حواله اعتباری این را بدیوان محاسبات میسازند دیوان محاسبات بموجب تصویبی که در مجلس شده است امضاء میکند ولی دیوان محاسبات در اصفهان نیست که به بیند این سربازخانه ساخته شده است یا خیر باید در دست او سندی باشد که این سرباز خانه ساخته شده است و ثابت شود که يك وجهی بر عهده دولت هست که اداء این حواله ذمه دولت را از آن دین بری میکند یا خیر باید آن تحویلدار که آن پول را میدهد بداند که آن قراولخانه ساخته شده است یا خودش میرود در محل نگاه میکند و باین که میگوید برو و از مأمورین دولت تصدیق ساخته شدن این بنا را بیاور که حاکم بنویسد این سرباز خانه ساخته شده است و تا آن تصدیق را نیارد حواله را نمی دهد یا این که مثلا تحویلدار می بیند که در جمع يك ستون چهار و پنج یا زده حساب کرده است نباید این حواله را بدهد چون حواله غلط است یا اینکه صحت قبض را به نظرش مشکوک بیاید مثل اینکه يك شخصی می آید بدولت بطور مرقاطه قرار میدهد که قراولخانه بسازد به مبلغ شش هزار تومان آن قراولخانه که ساخت فوت میکند آنوقت حواله می آورند که وجه آنرا دریافت کنند تحویلدار میدانند که این شخص فوت شده است گیرنده حواله اگر صفار آن شخص متوفی هستند یا غیر از قیم صفار هستند نباید آنوجه را بدهد بجهت اینکه اگر بصفتیر داد ممکن است قیم او هم مطالبه کند که باید این وجه بمن برسد اگر تغییر قیم داده است بطریق اولی میتواند مطالبه کند و هم چنین تحویلدار را بر بیند که يك حواله از حدود اعتبارات خارج است آنوقت هم نباید آن حواله را بدهد مثلا از طرف وزارت جنگ يك حواله اعتباری داده شده است بجا کم فارس پنجاه هزار تومان و از این پنجاه هزار تومان حاکم فارس ده هزار تومان بجا کم بجهان حواله اعتباری داده است حکومت بجهان فرضاً یا نصد هزار تومان حواله میکند تحویل دار باید بداند که این چقدر اعتبار دارد وقتیکه دانست ده هزار تومان اعتبار دارد و یازده هزار تومان حواله کرده است آنوقت آن تحویلدار چون از حدود اعتبار او خارج است نمی دهد و این يك چیزی است که همیشه باید باشد و این تقشیشات در عملیات باید بشود بجهت اینکه دیوان محاسبات کار را بکند .

رئیس - پیشنهادی از طرف آقای عزالمالک شده است قرائت میشود .
پیشنهاد آقای حاج عزالمالک بمبارت ذیل قرائت شد .

(بنده پیشنهاد می کنم جمله (و یا اینکه کار و خدمتی که وجه در ازاء آن داده میشود هنوز محقق نشده است) از ماده ۳۹ حذف شود .

رئیس - اول در این پیشنهاد رأی میگیریم کسانی که باین پیشنهاد موافقت قیام نمایند .

رئیس - اکثریت حاصل نشد پس رأی در خود ماده ۳۹ میگیریم کسانی که ماده ۳۹ راپورت کمیسیون را تصویب می کنند قیام نمایند .

رئیس - با اکثریت تصویب شد . ماده ۳۸ از لایحه وزیر و ماده ۴۰ از راپورت کمیسیون بمبارت ذیل قرائت شد [ماده ۴۰ در صورت عدم قبول حواله ابلاغ، تحویلدار مکلف است که ملاحظاتی خود را در روی کاغذ آورده با آورنده حواله بدهد و همانروز سوادى از آن لایحه برای وزیر مالیه بفرستد تا وزیر- مشارالیه بلافاصله یا وزیرى که حواله راجع با اداره او است مذاکره نماید .

محمد هاشم میرزا - بجای لفظ روی کاغذ آورده بنویسد نوشته با آورنده حواله بدهد بجهت اینکه نوشتن هم روی کاغذ آوردن است .

دکتر امیر خان - لفظ لایحه را در این ماده تبدیل بلفظ مکتوب نمایند در اینجاست ندارد .
آقای شیخ غلامحسین - در عوض ملاحظاتی خود را روی کاغذ آورده خوب است نوشته شود سواد حواله را منظم بملاحظاتی خود بوزارت مالیه بفرستد بجهت اینکه وزیر مالیه درست ملتفت شود که چه حواله بوده .

آقای سید حسین اردبیلی - از عبارت ماده چهار معلوم میشود که مقصود تحویلداران مرکز هستند بجهت اینکه تحویلداران نمیتوانند ملاحظاتی خودشان را پیش وزیر مالیه بفرستند و این عبارت ممکن است اسباب اشتباه تحویلداران شود و اگر بخواهند ملاحظاتی خودشان را از هر جا بوزیر مالیه بفرستند این اسباب تأخیر در جریان امور میشود بجهت اینکه ممکن است اگر ملاحظاتی خود را باین مالیه آن ولایت با ایالت اظهار بدارد فوری در همانجا بدون اینکه محتاج بفرستادن نزد وزیر مالیه شوند رفع شود و این يك اصلاح جزئی رفع میشود باینطور که نوشته شود سوادى از آن برای وزیر مالیه یا کسیکه نماینده او است در سایر جاها بفرستد که شامل تحویلداران جزء هم بشود و سوء تفاهم در آتیه نشود .

فهییم الملک - در ماده قانون هیچوقت دیگر جزء بجز مطالب را شرح نمیدهند اگر در شیراز حواله دادند تحویلدار آن را مشکوک دانست نظرات خودش اگر در آنجا رفع شد که آن حواله را میدهد او باید بدهی است سوادى از آن بطهران فرستاده میشود پیش وزیر مالیه دیگر این يك چیز غیر ممکن نیست آن تحویلدار شیراز فرضاً سوادى از آنجا بفرستد بطهران تا کشف و تعقیب امر بشود و آنوقت رسید این حواله به وزارتخانه که راجع است وزیر مالیه مذاکره کرده رفع اشکال میکند دیگر این چیزی نیست که در اینجا جزئیاتش را بنویسند .

رئیس - حالا اصلاحاتی که ضمناً اظهار شد

در ماده شده است قرائت میشود .
ماده ۴۰ در صورت ذیل قرائت شد .
ماده ۴۰ در صورت عدم قبول حواله مستقیم یا ابلاغی تحویلدار مکلف است که ملاحظاتی خود را کتبا با آورنده حواله بدهد و همان روز سوادى از آن ملاحظاتی برای وزیر مالیه با حواله کتبه درجه دوم بفرستد تا وزیر مشارالیه بلافاصله یا وزیرى که حواله راجع با اداره او است مذاکره نماید .

رئیس - با اکثریت تصویب شد . ماده ۴۰ از لایحه وزیر و ماده ۴۰ از راپورت کمیسیون بمبارت ذیل قرائت شد [ماده ۴۰ در صورت عدم قبول حواله ابلاغ، تحویلدار مکلف است که ملاحظاتی خود را در روی کاغذ آورده با آورنده حواله بدهد و همانروز سوادى از آن لایحه برای وزیر مالیه بفرستد تا وزیر- مشارالیه بلافاصله یا وزیرى که حواله راجع با اداره او است مذاکره نماید .

محمد هاشم میرزا - بجای لفظ روی کاغذ آورده بنویسد نوشته با آورنده حواله بدهد بجهت اینکه نوشتن هم روی کاغذ آوردن است .

دکتر امیر خان - لفظ لایحه را در این ماده تبدیل بلفظ مکتوب نمایند در اینجاست ندارد .

آقای شیخ غلامحسین - در عوض ملاحظاتی خود را روی کاغذ آورده خوب است نوشته شود سواد حواله را منظم بملاحظاتی خود بوزارت مالیه بفرستد بجهت اینکه وزیر مالیه درست ملتفت شود که چه حواله بوده .

آقای سید حسین اردبیلی - از عبارت ماده چهار معلوم میشود که مقصود تحویلداران مرکز هستند بجهت اینکه تحویلداران نمیتوانند ملاحظاتی خودشان را پیش وزیر مالیه بفرستند و این عبارت ممکن است اسباب اشتباه تحویلداران شود و اگر بخواهند ملاحظاتی خودشان را از هر جا بوزیر مالیه بفرستند این اسباب تأخیر در جریان امور میشود بجهت اینکه ممکن است اگر ملاحظاتی خود را باین مالیه آن ولایت با ایالت اظهار بدارد فوری در همانجا بدون اینکه محتاج بفرستادن نزد وزیر مالیه شوند رفع شود و این يك اصلاح جزئی رفع میشود باینطور که نوشته شود سوادى از آن برای وزیر مالیه یا کسیکه نماینده او است در سایر جاها بفرستد که شامل تحویلداران جزء هم بشود و سوء تفاهم در آتیه نشود .

فهییم الملک - در ماده قانون هیچوقت دیگر جزء بجز مطالب را شرح نمیدهند اگر در شیراز حواله دادند تحویلدار آن را مشکوک دانست نظرات خودش اگر در آنجا رفع شد که آن حواله را میدهد او باید بدهی است سوادى از آن بطهران فرستاده میشود پیش وزیر مالیه دیگر این يك چیز غیر ممکن نیست آن تحویلدار شیراز فرضاً سوادى از آنجا بفرستد بطهران تا کشف و تعقیب امر بشود و آنوقت رسید این حواله به وزارتخانه که راجع است وزیر مالیه مذاکره کرده رفع اشکال میکند دیگر این چیزی نیست که در اینجا جزئیاتش را بنویسند .

رئیس - با اکثریت تصویب شد . ماده ۴۰ از لایحه وزیر و ماده ۴۰ از راپورت کمیسیون بمبارت ذیل قرائت شد [ماده ۴۰ در صورت عدم قبول حواله مستقیم یا ابلاغی تحویلدار مکلف است که ملاحظاتی خود را کتبا با آورنده حواله بدهد و همانروز سوادى از آن ملاحظاتی برای وزیر مالیه با حواله کتبه درجه دوم بفرستد تا وزیر مشارالیه بلافاصله یا وزیرى که حواله راجع با اداره او است مذاکره نماید .

محمد هاشم میرزا - بجای لفظ روی کاغذ آورده بنویسد نوشته با آورنده حواله بدهد بجهت اینکه نوشتن هم روی کاغذ آوردن است .

دکتر امیر خان - لفظ لایحه را در این ماده تبدیل بلفظ مکتوب نمایند در اینجاست ندارد .

آقای شیخ غلامحسین - در عوض ملاحظاتی خود را روی کاغذ آورده خوب است نوشته شود سواد حواله را منظم بملاحظاتی خود بوزارت مالیه بفرستد بجهت اینکه وزیر مالیه درست ملتفت شود که چه حواله بوده .

آقای سید حسین اردبیلی - از عبارت ماده چهار معلوم میشود که مقصود تحویلداران مرکز هستند بجهت اینکه تحویلداران نمیتوانند ملاحظاتی خودشان را پیش وزیر مالیه بفرستند و این عبارت ممکن است اسباب اشتباه تحویلداران شود و اگر بخواهند ملاحظاتی خودشان را از هر جا بوزیر مالیه بفرستند این اسباب تأخیر در جریان امور میشود بجهت اینکه ممکن است اگر ملاحظاتی خود را باین مالیه آن ولایت با ایالت اظهار بدارد فوری در همانجا بدون اینکه محتاج بفرستادن نزد وزیر مالیه شوند رفع شود و این يك اصلاح جزئی رفع میشود باینطور که نوشته شود سوادى از آن برای وزیر مالیه یا کسیکه نماینده او است در سایر جاها بفرستد که شامل تحویلداران جزء هم بشود و سوء تفاهم در آتیه نشود .

فهییم الملک - در ماده قانون هیچوقت دیگر جزء بجز مطالب را شرح نمیدهند اگر در شیراز حواله دادند تحویلدار آن را مشکوک دانست نظرات خودش اگر در آنجا رفع شد که آن حواله را میدهد او باید بدهی است سوادى از آن بطهران فرستاده میشود پیش وزیر مالیه دیگر این يك چیز غیر ممکن نیست آن تحویلدار شیراز فرضاً سوادى از آنجا بفرستد بطهران تا کشف و تعقیب امر بشود و آنوقت رسید این حواله به وزارتخانه که راجع است وزیر مالیه مذاکره کرده رفع اشکال میکند دیگر این چیزی نیست که در اینجا جزئیاتش را بنویسند .

رئیس - با اکثریت تصویب شد . ماده ۴۰ از لایحه وزیر و ماده ۴۰ از راپورت کمیسیون بمبارت ذیل قرائت شد [ماده ۴۰ در صورت عدم قبول حواله مستقیم یا ابلاغی تحویلدار مکلف است که ملاحظاتی خود را کتبا با آورنده حواله بدهد و همانروز سوادى از آن ملاحظاتی برای وزیر مالیه با حواله کتبه درجه دوم بفرستد تا وزیر مشارالیه بلافاصله یا وزیرى که حواله راجع با اداره او است مذاکره نماید .

محمد هاشم میرزا - بجای لفظ روی کاغذ آورده بنویسد نوشته با آورنده حواله بدهد بجهت اینکه نوشتن هم روی کاغذ آوردن است .

دکتر امیر خان - لفظ لایحه را در این ماده تبدیل بلفظ مکتوب نمایند در اینجاست ندارد .

آقای شیخ غلامحسین - در عوض ملاحظاتی خود را روی کاغذ آورده خوب است نوشته شود سواد حواله را منظم بملاحظاتی خود بوزارت مالیه بفرستد بجهت اینکه وزیر مالیه درست ملتفت شود که چه حواله بوده .

در ماده شده است قرائت میشود .
ماده ۴۰ در صورت ذیل قرائت شد .
ماده ۴۰ در صورت عدم قبول حواله مستقیم یا ابلاغی تحویلدار مکلف است که ملاحظاتی خود را کتبا با آورنده حواله بدهد و همان روز سوادى از آن ملاحظاتی برای وزیر مالیه با حواله کتبه درجه دوم بفرستد تا وزیر مشارالیه بلافاصله یا وزیرى که حواله راجع با اداره او است مذاکره نماید .
وزیر مالیه - اشکال برداشته نشد حواله کتبه که نمیتواند با وزیر مالیه طرف شود .
رئیس - ملاحظه دیگری نیست (اظهاری نشد) حالا رأی می گیریم در ماده ۴۰ راپورت کمیسیون یا جزئی اصلاحی که شده است کسانی که تصویب می کنند قیام نمایند .
رئیس - با اکثریت تصویب شد بقیه شور در این قانون میماند بجلسه آتیه .
فهییم الملک - موادی که از کمیسیون برگشته آنها هم حاضر است خوب است حالا بخواهند .
رئیس - موادی که میروند به کمیسیون و از کمیسیون بر می گردد يك مرتبه در آخر خوانده می شود .
آقای میرزا ابراهیم خان - مکتوبی از وزارت جنگ قرائت کردند متضمن تقاضای کمیسیون را از مجلس برای نظارت در مصارف جنگ .
فهییم الملک - خوب بود يك نماینده از وزارت جنگ بود تا توضیح اینکه لازم است در این تقاضا میداد زیرا معنی تقاضا را بنده نمی دانم چیست اگر برای مخارجی است که قبل از گذشتن بودجه وزارت جنگ میشود می خواهند بآن مخارج رسمیت بدهند که بنده گمان نمی کنم بفرض که آن هیئت تصویب و تصدیق هم بکنند تصدیق آنها کافی از تصویب مجلس باشد باز بالاخره باید به مجلس بیاید و اگر مقصود تقشیش است که آن راهم کمیسیون تقشیش در ضمن رسیدگی بحساب وزراء خواهد کرد و مخارجی را که تا امروز وزارت جنگ کرده است اعتباری می دهند و در مخارج آتیه البته وزارت جنگ مشغول است همانطور که مکرر از وزراء سؤال شده است که مخارجی را که وزراء می کنند تا بودجه به مجلس نیامده است مشغول آنها که خواهد بود وزیر مالیه جواب گفته خود وزراء مشغول هستند و به عقیده بنده اگر امروز فرضاً بیست نفر هم بروند بوزارت جنگ مصارفی تصویب آنها هم بکنند و بعد بیاید به مجلس و مجلس تصویب نکند تصویب آن بیست نفر ابتدا باید نداد و اگر یکی از نمایندگان فرضاً او يك خرجی ایرادی بکنند که فلان خرج چرا شده است وزارت جنگ جوابا بگوید نمایندگان بودند با اطلاع آنها شده است ابتدا مقید نخواهد بود و مجلس قانع نخواهد شد پس در این صورت نمی دانم مقصود از این کمیسیون چه بوده و چه می خواهند خوب بود کسی بود توضیح می داد .
دکتر علیخان - بنده موافقم و می خواستم عرض کنم باین ترتیب هیچ وقت بودجه مجلس نخواهد آمد .

وزیر مالیه - چون در اینجا اسمی از بودجه برده شد این است که بنده لازم است عرض کنم که بنده بودجه را تا دو سه هفته دیگر تقدیم خواهم کرد و اینهم لازم است عرض شود که تقریباً سابقین شروع به بودجه هم نکرده بودند .

رئیس - آقای معاضد السلطنه سئوالی از آقای وزیر مالیه داشتید بفرمائید .

معاضد السلطنه - چندی است که از بارهائی که وارد شهر می شود حقوقی قرار داده اند و میگیرند بقرصط مأمورین نظمیه گرفته میشود از هر باری که وارد میشود باختلاف یک چیزی بگیرند مثلا از الاغها و گاو میروند گاو و آجر میآورند ظاهر آ باری یکشاهی میگیرند و از بارهای دیگر از هر قبیل یک چیزی میگیرند مثلا از بار غسل یک مبلغی میگیرند صورتش را دارم از روی صورت ممکن است تمام را بخواهم مثلا از بار زعفران نظرم هست که چهار تومان بگیرند اینها را وزارت مالیه اطلاع دارد یا خیر ؟

وزیر مالیه - این عوارض که گرفته میشود بطوری که فرمودید ابدأ وزارت مالیه اطلاع ندارد و ابدأ راجع بوزارت مالیه نیست شاید بدمیه برای خودشان باز یک مالیاتی تازه وضع کرده باشند .

معاضد السلطنه - بدمیه از این مالیات ابدأ خبری ندارد و بنده تحقیق کردم هیچوجه تصویب بدمیه هم نیست و تا زمانی بدمیه صورت مالیات نواقلا را که سابقاً از مجاس گذشته است طبع و اعلان نموده بود میخواست بموقع اجرا بگذارد بعد هم از قرار مذکور منصرف شده است مگر بعضی از آنها را عجلتاً میگیرند و این مالیاتی که از بارهائی که وارد شهر میشوند گرفته میشود بدون تصویب و اطلاع بدمیه نظمیه میگیرد خوب است از طرف وزارت مالیه فذغن شود که من بعد نگیرند و تحقیق شود که با مر کی می گرفته اند .

وزیر مالیه - عرض میشود مالیات مملکتی که هیچ ربطی به نظمیه و بدمیه ندارد ولی در این مورد ظاهر اختلافی شده است شاید خیال میکنند اینطور مالیاتها را نظمیه حق دارد چون حالا اطلاع کاملی ندارم نمیتوانم چیزی بگویم تحقیق میکنم در جلسه دیگر عرض خواهم کرد .

حاج آقا سبزه چندی قبل عرض کردم که در نظامنامه داخلی نوشته شده است که صورت عرایض که بمجلس میآید و مجلس بوزارتخانهها رجوع میکند وزراء اقداماتشان را اقلا در ظرف دو ماه باید بمجلس اطلاع بدهند و همانطوریکه در نظامنامه قید شده است که عرایض مهمه را کمیسیون باید بمجلس اطلاع بدهد کمیسیون نظر بعمل بوظیفه خودش بعضی عرایض مهمه را بمجلس اطلاع داده بود از جمله آنها یکی تشکی مردم بود از همین بولهای که از بارها دم دروازه میگیرند که آقای معاضد السلطنه اظهار کردند یکی از آن عرایض مهمه که بنده بالخصوص بآن نظر دارم عریضه سردار محیی بوده که کراراً اظهار کرده و تقاضای مجا که کرده است که چندین مرتبه هم بمجلس و هم

بوزراء عریضه نوشته و تقاضای مجا که کرده است و هیچ جوابی باوداده نشده ما واقماً هیچ نفهمیدیم ملاحظه بفرمائید که یک نفر از اتباع ایران چندین مرتبه تقاضا کند چه بتوسط عریضه بوزراء چه بتوسط جراید محلی عریضه بنویسد نه یک نه دو بلکه مکرر در مکرر و می عجز کند و تصریح نماید که مرا مجا که کنید اگر مقصوم مجازات شوم اگر نیستم چرا در انتظار موهوم باشم و هیچ باظهارات او گوش ندهند و بنده منتظر بودم در آن کابینه سابق به بینم چه اقدام میشود بدبختانه هر قدر مادرا انتظار بودیم آنطرف هیچ بفکر نبود و ابدأ اقدامی ننمود در این خصوص با این ترتیب واقماً نام مشروطیت را لکه دارد کردند استدعا میکنم این کابینه یک اقدامی بکند که بیش از این مأمور دطنه سایرین نباشیم دیدم اصناف هم در این باب عریضه کرده بودند و واقماً این حرفی است خیلی مشروغ که یک نفر بایستد بگوید بیایید مرا مجا که کنید اگر مقصوم نیستم چرا بعد از آنکه پس از همه خدمت که بشروطیت کرده ام موهوم باشم این حرف جواب ندارد غیر از اینکه نام مشروطیت لکه دار میشود در صورتیکه کسی چنین تقاضائی میکند مسوع نمیشود و نتیجه که از این بی التفاتی باین نحو عرایض حاصل میشود جز نشستن او در سفارتخانه عثمانی بلکه دار کردن نام مشروطیت چیز دیگری نیست .

فهییم الملك - بنده مدتی بود سوالی از وزیر مالیه کرده بودم راجع بدیوان محاسبات که عجلتاً هست بطوری که نظر آقایان هست چند مرتبه در مجلس مذاکره شده است که این دیوان محاسباتی که هست آن دیوان محاسبات که در قانون اساسی نوشته شده است نیست این یک هیئت مفتش است از طرف وزارت مالیه حالا باین مطلب وارد نمیشویم که اولاً ابقاء این هیئت لازم است یا خیر این بسته بمیل وزیر مالیه است لکن بعضی اقدامات از طرف آنها میشود که از قرار معلوم وزارت مالیه هم نتوانسته است آنها را متقاعد کند مثلاً آنها تصور کرده اند که معنی دیوان محاسبات که رسیدگی بحساب میکند این است که حتی الامکان باید مباشرین و مأمورین دولت را محکوم کرد و هر چه ممکن است بآنها سخت بگیرند این معنی دیوان محاسبات نیست عجب این است بعضی از حسابها را رسیده کسی میکند و مینویسند این حساب صحیح است و قبوضات شما صحیح است لکن شما باید تومانی چهار هزار بملت ببخشید اگر این تومان چهار هزار طوری است که چیزی بنظر آنها رسیده آنرا باید اظهار کنند که بفلان جهت تومان چهار هزار از کلیه این حساب محل ملاحظه است و ندهند و اگر خیر صحیح است و میگویند باید این شخص تومانی چهار هزار از مال خودش بملت ببخشید گمان ندارم هیچوقت ملت ممنون این اظهار بشود و هرگز منتظر نیست که یکی از مأمورین دولت چنین اظهاری بکند و هیئت دولت هم گمان ندارم اجازه بدهند و راضی بچنین اظهاری باشند مقصود این است که بحساب کسی برسند اگر بدولت بدهکار است که بگیرند و برسانند و اگر طلبکار است از دولت باز بگیرند از دولت و باو بدهند حالا بنده سؤال میکنم از آقای وزیر مالیه که اولاً بقای این هیئت را باین ترتیب لازم میدانند یا خیر و ثانیاً این ترتیب با اطلاع و تصویب و دستور وزیر مالیه عمل میشود یا خیر پیش خود این اقدامات را میکنند چون این را که اینها اغلب اهل حساب نیستند همه بدانند میخواهیم بدانیم برای

رسیدگی بحساب گذشته وزارت مالیه چه دستوری وجه ترتیبی بآنها داده شده است و آنها بترتیبی که بناها دستور داده شده است رفتار میکنند یا خودسرانه این اقدامات را میکنند .

وزیر مالیه - عرض میکنم هر قدر این تشکیلات اداری در موقع خودش ممکن است خوب و مفید واقع شود همان اندازه در غیر موقع ممکن است غیر مفید بلکه مضر واقع شود بدبختانه خیلی از تشکیلات در ولایات شده که مانتصور میکردیم باعث آسایش اهالی میشود برعکس اسباب تظلم آنها شده است و گرفتاری مملکت و اعمال اغراض زیاد اما آنچه راجع است بدیوان محاسبات واقماً بنده نمیدانم شاید غرض ورزی نکرده است ولی معلوم است این آن دیوان محاسبات قانونی که باید باشد نیست این یک هیئت تفتیشیه است بطوری که گفتند هیئت تفتیشیه در ممالک لازم است و هر ساعت زودتر بطور صحیح تشکیل شود بهتر است و بنده در این چند روزه مخصوصاً در باب تفتیش مذاکرات با اشخاصی که لازم بوده است کردم و خیلی جدا بیل دارم که یک هیئت تفتیشیه صحیحی تشکیل شود و رئیس این دیوان محاسبات هم پیش من آمد و اظهار کرده چون این دیوان محاسبات آن دیوان محاسبات قانونی نیست من نمیخواهم این عنوان روی من باشد هر کاری که بمن رجوع کنید من با کمال میل حاضریم با هر ترتیبی که مقتضی باشد بنده هم یکی نظر بآن اقداماتی که در نظر دارم اقدامی نکرده ام و یکی هم نظر داشتم بکمیسیونی که در مجلس دایر است و مخصوصاً صحبت در تأسیسات دولت می شود منتظر او هستم که خودم پیش خود تأسیس نکرده باشم مباد آن تأسیس خلاف پروگرامی باشد که از آن کمیسیون خارج می شود که انشاء الله امیدوار هستم که کار آن کمیسیون هم بزودی تمام شده و یک رای صحیحی اتخاذ بکنند که تشکیلات امروزی بطوری که اقتضاء می کند بشود بنده هم خیالات خودم را تقدیم همان کمیسیون می کنم انشاء الله ترتیبی داده شود که ادارات بعد بطور صحیح تشکیل شود .

فهییم الملك - مقصود بنده این بود که یک قانون دیوان محاسباتی الان نوشته می شود و از مجلس خواهد گذشت و این قانون محاسبات برسدگی این هیئتی که مطابق آن قانون تأسیس می شود بعد از این دایر خواهد شد و حساب پنج سال قبل که گذشته است مطابق این قانون نمیشود رسیده کی کرد لیکن همان حسابها هم یک ترتیبی داشته و یک ترتیب در آن وقت معمول بوده است که نمیتوان گفت بکلی غلط است قرصاً شخصی که یک سندی از ده سال قبل در دست دارد و امضای شاه یا صدراعظم را دارد آن را سندیت باید داد اینها را بیک شکلی باید اصلاح کرد نباید طوری کرد که واقفاً حق مردم از بین برود و اسباب شکایت مردم بشود یک چیزی که خیلی اسباب شکایت مردم شده است از همین راه است زیرا اگر تا یک اندازه از روی حقانیت بود خوب بود ولی میخواهم عرض می کنم که اغلب اقدامات آنها من غیر حق شده است می خواستم استدعا کنم از وزارت مالیه که اقدامی کنند و یک ترتیبی از برای محاسبات گذشته تا امروز بدهند و

يك ترتيبی در رسیدگی آنها بحسابهای مردم بدهند که اسباب شکایت نشود .

وزیر مالیه - در این ترقیات که در نظر داریم مخصوصاً هیئتی از برای رسیدگی به بقایا در نظر گرفته شده است که رسیدگی به بقایا می کنند ولی فیصل کردن این کار هم واقعاً خالی از اشکال نیست بجهت این که واقعاً اشخاصی هستند که يك حسابهای غریبه برف انبار کرده اند که اگر انسان بخواهد آنها را علی العمیا تصویب کند يك ضرری خیلی کلی بدولت وارد آورده است .

کاشف - چون مهم ترین وظایف ، مسئله بودجه است آقای وزیر مالیه فرمودند تا دوسه هفته دیگر به مجلس خواهد آمد بنده مکرر خاطر دارم که از وزراء در این خصوص سئوالات شده است و جواب دادند که عنقریب بودجه بمجلس خواهد آمد و حالا که هشت ماه از سال می گذرد ما خبر از بودجه نداریم و تمام این مناقشاتی که میشود در مجلس بواسطه نداشتن بودجه است چون هنوز ابدأ اطلاع از وضع بودجه نداریم و مخارج هم کلاً بمجلس نیامده است و همین طور جزء بجزء آمده است بنده می خواستم سئوال کنم از آقای وزیر مالیه که تا چه وقت ما می توانیم منتظر بودجه باشیم دیگر آنکه بفرمائید تا بحال مخارجاتی که در مالیه بوده است با اینکه بودجه بمجلس نیامده است از روی چه ترتیب داده می شده است می توانند بگویند علی الحساب بوده یا بطور قطعی داده می شده است در صورتیکه بعد از آن بودجه بمجلس کم و کسری در آن مخارج شد آن وقت دولت پس خواهد گرفت یا يك ملاحظه دیگری در این خصوص کرده اند .

وزیر مالیه - در خصوص بودجه که بنده عرض کردم جداً خودم داخل اینکار شده ام و هر روز چند ساعتی اوقات خودم را صرف اینکار می کنم اگر سایرین يك اهمالی کرده اند من مأخوذ و مشغول نیستم و اگر يك التزامی باید بدهیم آنرا هم هر طور که میفرمایند التزام بدهم اما در خصوص تشکیلاتی که در وزارت خانهها شده است و يك حقوق هم آنها گرفته اند کم یا زیاد بآنها میدهند و اینکه بعضی مخارج شده بعد از آنکه بمجلس آمد بعضی از آنها را قبول نکنند بروند پس بگیرند این لایق شان هیچ دولتی نیست و این دولت هم این کار را نخواهد کرد عجالتاً يك کاری است که وزرای سابق بيك ترتيبی که مصلحت دیدند کرده اند و بنده هم بيك ترتيبی در نظر گرفته ام و امیدوارم اصلاح شود و در این چند روزه که وارد شده ام تغییر در آن اساس نداده ام و منتظر آن کمیسیون بودم که تاکنون چه اقدامی کند و خودم بيك دستور العمل کافی تقدیم کرده ام .

کاشف - علاوه بر آن سئوالاتی که شد فرمودند وقت خودم را روزی چند ساعت صرف انجام این عمل می کنم استعدا دارم همین طور عمل فرمایند که بزودی این مسئله بودجه که اساس وظیفه ما در آن است بعمل بیاید و هر چه زودتر بودجه از مجلس بگذرد .

وزیر مالیه - سئوالی در خصوص ضرابخانه داشتند بنده مخصوصاً برای آن حاضر شده ام .

رئیس - - حالا بعضی از آقایان در خارج هستند وقت هم گذشته بجلسه دیگر بماند دستور جلسه آتی روز پنجشنبه شور آخری در راپورت وزارت فوائد عامه راجع بچرم سازی و صابون سازی و شور در بقیه قانون مجاصبات عمومی .

جلسه ۱۷۷ صورت مذاکرات روز پنجشنبه ۱۴ شهر ذی قعدة الحرام ۱۳۲۸

مجلس دو ساعت و ۲۰ دقیقه قبل از غروب ریاست آقای ذکاء الملک تشکیل شده صورت مجلس روز سه شنبه را آقای معاضد الملک قرائت نموده (غائبین جلسه قبل) قوام الاسلام - حاج میرزا آقا - نویری - آقای سید محمد رضا - سردار اسم - آقا سید علی آقا (بی اجازه)

ارباب کیمخسرو - ناصر الاسلام - حاج محمد کریمخان - با اجازه غائب .

حاج امام جمعه . متین السلطنه . مستشار - الدوله . دکتر اسمعیل خان . وکیل الرعایا . حاج آقا . حاج سید ابراهیم . دهخدا . بهجت سیددار اعظم . آقا میرزا ابراهیم قمی بموقع مقرر حاضر شدند .

رئیس - در باب صورت مجلس ملاحظاتی که هست بفرمائید .

حاج سید ابراهیم - بنده را نوشته اند که در جلسه گذشته دیر آمده ام در صورتیکه بنده آن روز برای ترتیب امور فارس در کمیسیون تفتیش امر جنوب بودم آنروز هم عرض کردم در کمیسیون هم از آقای رئیس هم اجازه خواستم

دکتر اسمعیل خان - بنده را هم جزء دیر آمده نوشته بودند در صورتیکه بنده و آقای عزالمالک و حاج وکیل الرعایا در آن اطاق مشغول نوشتن راپورت کمیسیون جنوب بودیم و باینجهت دیر آمدم (دیگر اظهاری نشده رئیس صورت مجلس را امضاء نمود) راپورت کمیسیون فوائد عامه راجع بماده پنجم و دهم امتیاز کارخانه چرم سازی و صابون یزی ربیع زاده و شرکاء قرائت شد کمیسیون دو ماده مزبوره را بمبارت ذیل پیشنهاد کرده بود ماده (۵) در صورتیکه مالیات تمتع و مالیاتی جهة کارخانه جات در مملکت وضع شود این کارخانه ها مدت ۲۰ سال از این تاریخ از ادای این دو فقره مالیات معاف خواهند بود ولی هر گاه مثل صابون و چرمهای داخله که اکنون معمول است از همان قسم بسازد مثل سایر اصناف مالیات صنفی را خواهد پرداخت .

حاج شیخعلی - در عباراتی که مضمون امور سیاسی یا قرار دادی است یا قانونگذاری است بيك نظر فلسفی لازم است اگر بنظر سطحی نظر شود بساهت از بيك عبارت (قلمبه) مایک فایده بزرگی را ترك کنیم یا اینکه از بيك عبارت سهل و ساده مورد بيك خسارت بزرگی بشویم در آن

لا یجہ که قبل پیشنهاد شده بود برای اینکار خانه خیلی فایده اش از این پیشنهادی که شده است از برای دولت بهتر بود و نظریاتی که آنروز در ماده پنج اظهار شد از بعضی از آقایان و بکمیسیون رجوع شد باین نتیجه نداده و همان حاصل و نتیجه را که در آن دفعه کمیسیون اظهار کرده بود این دفعه هم همان را پیشنهاد کرده است آقایان خوبست قدری دقت فرمایند که آن مواد سابق را با این مواد مقایسه بکنند و به بینند در آن مواد چه قدر فوائد برای دولت مترتب بود و حال چه در خسارت در این است بنده متعجبم از آقایان اعضاء کمیسیون فوائد عامه که آن فایده را که بنا بود ملاحظه کنند و مطابق آن پیشنهاد نمایند بر عکس بيك ماده را پیشنهاد کرده اند که خیلی ضرر وارد خواهد آورد فایده این چرخ و ماشین که وارد میشود برای دولت و ملت چیست آب که از دولت زمین که از دولت گمرک را هم که دولت نگیرد و مالیات را هم که هیچ ندهد پس این چه فایده برای ما خواهد داشت با اینکه احتمال دارد بواسطه این کار خانه مالیات صنف دباغ و صابون سازها متزلزل شود آقایان خواهند فرمود که اینکار بيك منفعت تجارتي خواهد داشت و آن این است که صابون از خارج وارد نخواهد شد و صابون داخله معمول خواهد بود عرض میکنم در مقابل آن بیخی که بخارج میرفت بعد از آنکه اینکار خانه دایر شد دیگر نخواهد رفت و ضرری که بر ما وارد خواهد شد این است که چنانچه عرض کردم مالیات صنف دباغ و صابون سازها متزلزل خواهد شد باینجهت بعقیده بنده بهتر این است که همان ۳ ماده را که قبل کمیسیون فواید عامه پیشنهاد کرده بود باز پیشنهاد شود که همان ۳ ماده تصویب شود این لفظ انحصار بيك لفظی نیست که ۷ ساله در بعضی از شهر ها انحصار داده شده بود و بنده همراهم با اینکه این انحصار در این مدت داده شود و اطمینان می دهم که تا ده سال دیگر در این حدود این نوع کارخانه وارد نشود و اگر بیاورند هم کارخانه چرم سازی یا کارخانه های دیگر خواهند آورد لازم نیست از همین کارخانه بیاورند در آذربایجان و فارس و خراسان خواهند آورد و آن پیشنهاد سابق فایده اش خیلی برای دولت و ملت بهتر بوده بنده آن ۳ ماده را یاد داشت کرده ام که اینجا کرده ام که اینجا بخوانم تا این آقایان درست ملتفت شوند (پیشنهاد مزبور را مشتمل بر ۳ ماده قرائت نمود) و در صورتی که ما از منافع اوبیک ده بيك میبریم و از حصول آنهم مالیات می گرفتیم و در عوض باو چه می دادیم در عوض باو در این نقاط ممینه امتیاز بيك کارخانه چرم سازی و صابون سازی را در مدت هفت سال می دادیم پس چه ما را وا داشته است که این فایده را ترك کنیم و مالیات این کار را متزلزل کنیم با وجود اینکه ممکن است بيك لفظ انحصار را برداریم و همین ۳ ماده را تصویب کنیم در صورتیکه بنده اطمینان می دهم که تا ۱۲ سال دیگر این انحصار را خواهند داشت حالا دیگر آقایان خودشان بيك قدری بهتر دقت فرمایند تا اینکه گول نخورند و